

تحلیلی بر نقش و جایگاه بسیج در هندسه نهادی فقرزدایی حکومت اسلامی

عبدالمحمد کاشیان؛ محمد طاهریان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۲۲

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست سوم، شماره ۸۸، پاییز ۱۳۹۹

چکیده:

یکی از نهادهای مؤثر در جمهوری اسلامی ایران که در بستر ایدئولوژی اسلام ناب شکل گرفته است و در کلام و در عمل نقش بسیار مهمی در فقرزدایی دارد، بسیج است. هدف از مقاله حاضر تبیین هندسه نهادی فقرزدایی در حکومت اسلامی و تعیین جایگاه و نقش بسیج به عنوان یک نهاد مؤثر در این امر است و پاسخ به این سؤال که آیا نقش بسیج در فقرزدایی صرفاً یک نقش مستقیم و واسط میان ثروتمندان و فقرا است؟ از آنجا که ساخت هندسه نهادی فقرزدایی در حکومت اسلامی مستلزم بحث و تحقیق در احادیث شیعه است، روش تحلیل محتوا یا تحلیل مضمون احادیث که از مرسوم‌ترین روش‌های حدیث‌پژوهی است، مورد استفاده قرار گرفته است. این مقاله با روش تحلیل محتوا، یک چارچوب کلی از هندسه نهادی فقرزدایی از اسلام و حکومت اسلامی ترسیم خواهد کرد و در ادامه نقطه اتصال آن با بسیج و آنچه این نهاد می‌تواند در این زمینه دنبال کند، به عنوان پیشنهاد ارائه خواهد کرد. در حکومت اسلامی ساختار نهادی ۹ لایه‌ای برای رفع فقر وجود دارد که تکیه بر زیرساخت اجتماعی و جنبه‌های مردمی فقرزدایی در لایه‌های آغازین و جنبه‌های حاکمیتی و دولتی در لایه پایانی است. نقش بسیج از این حیث می‌تواند مهم تر و عملیاتی تر از دیگر لایه‌ها دیده شود که در خصوص ۶ لایه اول در مقام تقویت اثر بخشی، ظاهر می‌شود و ضمن تاثیرگذاری بر خودکفایی اقتصادی در خانوار، روحیه نوع دوستی را میان خانواده و همسایه و سایر لایه‌های نهادی تقویت می‌کند و در لایه هفتم و هشتم به صورت مستقیم در فقرزدایی اثرگذاری می‌کند و در کنار این نقش‌ها، در لایه نهم نقش مطالبه‌گری، همکاری و همراهی با حاکمیت را ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی:

بسیج، نهاد، فقر، اسلام، نهادگرایی، روحیه بسیجی.

^۱ - نویسنده مسئول، استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم‌اداری دانشگاه سمنان
a.m.kashani@profs.semnan.ac.ir@gmail.com

^۲ - فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) so.mo.hos@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

نهادها یکی از مؤثرترین عوامل پیشرفت یا عقب‌ماندگی کشورها هستند و با نقش بسیار مهمی که در یک نظام اقتصادی و اجتماعی دارند، زمینه‌ساز تحولات اجتماعی و اقتصادی خواهند بود. بسیاری از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی مشابه، در بسترهای نهادی مختلف، پیامدهای متفاوتی به همراه دارند؛ لذا در نظر نگرفتن جایگاه نهادها می‌تواند از کارایی و اثربخشی بسیاری از سیاست‌ها بکاهد. یکی از چارچوب‌های تحلیلی بسیار مهم و تأثیرگذار در مسئله فقر نیز، چارچوب نهادی است که در آن بخشی از فقر را زاییده یکسری علل ساختاری می‌داند که این علل بیش از آنکه مربوط به شوک‌های اقتصادی باشد، زاییده یک بستر اجتماعی است که امروزه در ادبیات اقتصادی به آن زیرساخت اجتماعی می‌گویند. به عبارت دیگر شوک‌ها در یک جامعه هنگامی به فقر و دیگر مشکلات اجتماعی و اقتصادی منتج می‌شوند که بسترها و زیرساخت‌های نهادی مناسبی در آن جامعه وجود نداشته باشد که بتواند کارایی نظام اجتماعی را تضمین کند. لذا یک شوک اقتصادی در یک کشور توسعه‌یافته به خوبی با عملکرد طبیعی نهادها رفع می‌گردد، ولیکن در یک کشور توسعه‌نیافته که از ساختار نهادی ضعیفی برخوردار است، همین شوک موجب بحران اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

ضرورت موضوع

بخش مهمی از تحلیل ماهیت و دلیل پیدایش نهادها را می‌بایست در ایدئولوژی حاکم بر جامعه و بافت فرهنگی و سنتی آن جستجو کرد و همین موضوع سبب خواهد شد که در نظامات فکری مختلف، نهادهای متفاوتی را شاهد باشیم. شکل‌گیری یک نهاد به‌مانند بسیج تنها در یک بستر ایدئولوژیک اسلام ناب امکان‌پذیر است و شاید در بسیاری از ایدئولوژی‌های خصوصاً مادی، چنین نهادی امکان شکل‌گیری نداشته باشد. با توجه به نقش و اثرگذاری بالای بسیج در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و لزوم نقش‌آفرینی در ادامه حیات جمهوری اسلامی ایران، تبیین کارکرد نهادی بسیج و سیاست‌گذاری آن در چارچوب قواعد حکومت اسلامی امری ضروری می‌نماید. آنچه در این مقاله دارای اهمیت زیادی است، تأثیرگذاری نهادها در حکومت اسلامی بر جریانات اقتصادی و اجتماعی جامعه است و این مقاله خاصه تأثیر نهاد بسیج بر فقرزدایی را دنبال می‌کند تا بتواند با ارائه یک چارچوب منسجم، در خصوص نهادی به‌مانند بسیج نیز اظهارنظر نماید.



اهمیت موضوع

جدیدترین بحران جهانی که در سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ اتفاق افتاد، مسئله شیوه بیماری کرونا بود که عملکرد کشورهای مختلف حسب نهادهای آن بسیار متفاوت بود و آنچه در ایران نیز به عنوان رزمایش مواسات اتفاق افتاد، ثمره وجود یک نهاد مؤثر به مانند بسیج بود که نشان داد نهادها نقش بی‌بدیلی در مواجهه با مسئله فقر دارند. همین مسئله ضرورت بررسی نهادهای مؤثر حکومت اسلامی در فقرزدایی و خصوصاً بسیج را بیش از پیش پراهمیت می‌نماید. یکی از راهبردهای تبلیغی در ارائه یک ایدئولوژی به جهان، بحث صادرات نهادها است. همان طور که در بحث سرمایه‌داری، مکتب سرمایه‌داری توانست با صادر کردن نهادهای خود از جمله بانک و بازار سرمایه و ... به جهان ایدئولوژی خود را به جهان صادر کند. این امر تا جایی اثرگذار بوده است که امروزه اکثر مطالعات در راستای تکمیل و توسعه این نهادها صورت می‌پذیرد. لذا معرفی یک نهاد در تکمیل و اصلاح آن نهاد و در جهانی کردن ایدئولوژی غالب بر آن نهاد اثر غیرقابل انکاری دارد. در بین نهادهای مؤثر در حکومت اسلامی بسیج به عنوان یک نهاد اجتماعی از دست آورده‌ای بزرگ انقلاب اسلامی محسوب می‌شود که در زمینه‌های مختلف اجتماعی همواره راهگشا و مؤثر بوده است. در حالی که جمهوری اسلامی ایران تجربه صادر کردن این نهاد را در زمینه اقدامات نظامی داشته است و شکل‌گیری ارتش مردمی عراق تحت عنوان حشدالشعبی نمونه بارز آن است، لکن سایر ظرفیت‌های بسیج از جمله نقش کلیدی آن در رفع فقر در جامعه مورد غفلت واقع شده است. لذا این مقاله پرداختن به این نقش کلیدی را رسالت خود می‌داند.

مسئله اصلی

هدف اصلی مقاله حاضر تبیین چارچوب نهادی حکومت اسلامی در فقرزدایی و تبیین جایگاه بسیج به عنوان یکی از نهادهای مؤثر در این امر است و اینکه به این سؤال پاسخ داده شود که آیا نقش بسیج در فقرزدایی صرفاً یک نقش مستقیم و واسط میان ثروتمندان و فقرا است؟ یا کارکردهای غیرمستقیم نیز می‌توان برای بسیج متصور شد. همان طوری که پیش‌تر اشاره شد، نهادها زائیده بافت فرهنگی و ایدئولوژیک جامعه هستند و طبیعی است که در این بین اقتصاد اسلامی نیز به عنوان شاخه‌ای از علوم انسانی اسلامی که دایه دار طراحی سیستم اقتصادی در حکومت اسلامی است، یک نظام نهادی برای مواجهه با مسائل اقتصادی و اجتماعی در جامعه در اختیار دارد. از آنجاکه تحقق عدالت و رسیدگی به محرومین از اولویت‌های حکومت اسلامی است، اسلام نسبت به موضوع فقر ساکت نبوده است و راه‌حلهایی را برای این مسئله ارائه داده است. تبیین چارچوب نهادی فقرزدایی در اسلام به عنوان هدف اولیه این مقاله مدنظر قرار گرفته است که رسیدن به این هدف مستلزم مراجعه



به متون اصیل روایی شیعه است. گستره وسیعی از روایات در خصوص فقر و فقرزدایی وجود دارد که تحلیل محتوای مضامین آنها می‌تواند یک چارچوب نهادی برای رفع فقر ارائه نماید. طبیعی است که در این میان نهادهایی به‌مانند بسیج نیز جایگاه خود را خواهند یافت.

نحوه سازمان‌دهی مقاله

با توجه به تبیین کامل نهادها در ادبیات اقتصاد نهادگرایی، این مقاله ضمن بررسی ادبیات اقتصاد نهادگرایی در مواجهه با فقر، با استفاده از روش تحلیل مضمون منابع حدیثی شیعه، یک چارچوب نهادی از فقرزدایی در حکومت اسلامی ارائه می‌نماید و در این بستر به ارائه پیشنهادهایی جهت سیاست‌گذاری بسیج به‌عنوان یکی از نهادهای مؤثر در جمهوری اسلامی ایران خواهد پرداخت. لذا بعد از مقدمه و در بخش دوم مقاله به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش پرداخته و پس‌از آن روش تحقیق تبیین خواهد شد. در ادامه با تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده به تبیین راه‌حل نهادی اسلام برای حل فقر پرداخته و نهایتاً نقش و جایگاه بسیج در این هندسه نهادی بررسی خواهد شد و پیشنهادهایی در این زمینه ارائه می‌شود.

۱) ادبیات موضوع و پیشینه

۱-۲) ادبیات نظری

توجه به مسئله نهادها و نقش آنها در تبادلات بشری یک امر متأخر نیست بلکه بسیاری از بزرگان از متقدمین اقتصادی نیز به این مهم توجه داشته‌اند و در تحلیل‌های خود نگاه نهادی را مورد توجه قرار داده و از آن غافل نبودند. آدم اسمیت پدر علم اقتصاد در کتاب معروف خود که تحت عنوان ثروت ملل شناخته می‌شود «بیش از هشتاد بار از واژه نهاد و سی و چهار بار از واژه قاعده استفاده کرده است» (مشهدی احمد، ۱۳۹۲). اسمیت در ۱۷۷۹ در نامه‌ای که به لرد کارلیس در مورد راهکار رشد بهتر ایرلند می‌نویسد: «ایرلند برای پیشرفت صنعت به نظم، پلیس و سازمان منظم قضایی برای حفظ و کنترل مردم رده پایین احتیاج دارد، برای پیشرفت صنعت، قوانین از زغال‌سنگ و چوب ضروری‌تر هستند» (باسو، ۲۰۰۱). هرچند اندیشمندانی چون آدم اسمیت به مقوله نهاد توجه داشتند ولیکن با گذر زمان و ورود ریاضیات و فروض ساده‌کننده به اقتصاد توجه با تأثیر نهادها در اقتصاد برای مدتی به فراموشی سپرده شد که همین امر موجب شد تا عده‌ای از اقتصاددانان در مقابل این ساده‌سازی‌ها که به بهانه پیچیده بوده تحلیل اقتصادی به در نظر گرفتن اثرات نهادی بود قیام کنند و به این شکل بود که پارادایم نهادگرایی در مقابل اقتصاد نئوکلاسیک شکل گرفت. هرچند امروزه کمتر اقتصاددانی است که نقش نهادها را در اقتصاد انکار کند ولیکن



پافشاری به نقش نهادها در اقتصاد تا چندین دهه به منزله خروج از جریان و پارادایم اقتصاد متعارف بود.

۳-۱) تعریف نهاد

ارائه یک تعریف واحد برای نهاد که مورد توافق نحلله‌های گوناگون این مکتب باشد تا حدودی دشوار است. کامنز که خود یکی از اقتصاددانان مطرح در حوزه نهادگرایی به شمار می‌آید دشواری در تعریف رشته‌ای تحت عنوان اقتصاد نهادگرایی را در عدم اطمینان از معنای نهاد می‌داند (کامنز، ۱۹۳۱). این عدم توافق بر روی تعریفی واحد سبب شده تا اقتصاددانان تعاریف گوناگونی را برای نهاد ارائه کنند تا آنجا که شاید بتوان گفت «هیچ اجماعی در خصوص تعریف نهاد وجود ندارد» (هاگسونف ۲۰۰۶). مقاله ویلن در ۱۸۹۸ را می‌توان آغاز اقتصاد نهادگرایی دانست ویلن در مقاله خود عنوان می‌کند «که اقتصاد به شکل درمانده‌ای عقب‌تر از زمان خود است و قادر نیست موضوع اصلی خود را آن‌طور که شایسته علم مدرن است پیش برد (ویلن، ۱۸۹۸). مقاله وی سر آغازی بود بردانشی که بعدها اقتصاد نهادگرایی نامیده شد. هرچند ویلن تعریف مشخصی را از نهاد ارائه نمی‌کند ولیکن با دقت در مجموعه آثار وی می‌توان به گزاره‌هایی دست‌یافت که به‌نوعی ما را با نگاه ویلن به نهاد نزدیک می‌کند. ویلن در مقاله خود بیان می‌کند که «نهادها آن دسته از عادات تثبیت‌شده فکری هستند که در عموم انسان‌ها مشترک» هستند (ویلن، ۱۹۰۹). همچنین او بیان می‌دارد که «نهادها محصول عادات» هستند تأکید بر عادات در نوع نگاهی که ویلن به مفهوم نهاد دارد حائز تأمل است. وی در جای دیگر در راستای تأکید بر این مهم بیان می‌دارد که پیشرفت در نهادها و خصلت‌های انسانی نتیجه انتخاب طبیعی مناسب‌ترین عادات و اندیشه‌ها و نیز نتیجه فرایند تطابق اجباری با محیط در حال تحول است.

تعریف والتون همیلتون از مفهوم نهاد نیز قابل تأمل است؛ همیلتون نهاد را این‌گونه تعریف می‌کند: «شیوه رایج و مستمر تفکر یا عمل، شیوه‌ای که در عادات یک گروه یا سنن یک ملت تثبیت‌شده است.» (هاجسون، ۱۹۹۸، ص ۱۷۹). دیگر نهادگرای معروف داگلاس نورث نهاد را این‌گونه تعریف می‌کند: «نهادها محدودیت‌های وضع‌شده از سوی بشر هستند که مبادلات سیاسی اقتصادی اجتماعی را شکل می‌دهند و ساختارمند می‌سازند. نهادها شامل محدودیت‌های غیررسمی و قوانینی رسمی هستند.» (نورث، ۱۹۹۱). درجایی دیگر نورث نهادها را به قواعد بازی تشبیه می‌کند (نورث، ۱۹۹۰). تعریف نورث از این حیث که به نهادها و اثرگذاری آن‌ها در سطوح مختلف علوم از جمله سیاست و اقتصاد اشاره کرده است و نهاد را در دو سطح رسمی و غیررسمی طبقه‌بندی کرده است تعریف قابل تأملی است؛ ولیکن تعریف ویلیامسون از این حیث که طبقه‌بندی جامع‌تری برای نهادها ارائه می‌کند به‌نوعی از جامعیت



بیشتر و دقت نظر بالاتری برخوردار است. در زیر تعریف نهاد از منظر ویلیامسون را بیان می‌داریم. وی برای بیان تقسیم‌بندی خود آن را در چارچوب یک نمودار نشان می‌دهد که بیان آن می‌تواند ما را در فهم لایه‌های طبقه‌بندی نهادها از منظر وی یاری رساند.

جدول ۵: سطوح نهادی هدف		
سطح اول	ارزش‌های محصورشده سنتی: نهادهای غیررسمی، رسم‌ها، سنت‌ها، هنجارها، مذهب	اغلب غیر محاسباتی و اتفاقی خود به خودی
سطح دوم	محیط نهادی: قواعد رسمی بازی به‌ویژه حقوق مالکیت (مقننه، مجریه و قضائیه)	شفاف‌سازی و تحقق محیط نهادی به‌عنوان مرحله اول از اقتصادی کردن
سطح سوم	اعمال مدیریت و تدبیر امور (دولتی): انجام بازی، به‌ویژه قراردادهای (سازگاری ساختارهای اعمال مدیریت با مبادلات)	شفاف‌سازی و تحقق ساختار اعمال مدیریت: مرتبه دوم از اقتصادی کردن
سطح چهارم	تخصیص منابع و اشتغال: (قیمت‌ها و مقادیر، آرایش و سازگار سازی انگیزش‌ها)	شفاف‌سازی و تحقق شرایط نهایی مرتبه سوم از اقتصادی کردن
مأخذ: (Williamson)		

نگاه ویلامسون به نهاد از این حیث که یک طبقه‌بندی نسبتاً جامع را نسبت به سطوح مختلف نهادی عاریه می‌کند نگاه نسبتاً جامعی است.

گذری بر ماهیت بسیج در جمهوری اسلامی ایران و تطبیق آن با سطوح نهادی هدف، به‌خوبی ارزشمند بودن آن از بعد نهادی را مشخص می‌کند. سازمان‌های اجتماعی با استفاده از ساختمان‌ها، جایگاه‌ها، استخدام افراد، سازمان‌دهی افراد و بالاخره با ایجاد مؤسسات گسترده و پیچیده، وجود نهادهای اجتماعی را عینیت می‌بخشند. فعالیت‌هایی که مؤسسات اجتماعی برای رسیدن به اهداف مشترک جامعه انجام می‌دهند و نیازهای اجتماعی افراد در جامعه را مرتفع می‌سازند، سازمان اجتماعی می‌گویند. باید یادآور شد که نهادهای اجتماعی منحصراً در قالب سازمان‌های اجتماعی متبلور نمی‌شوند؛ بلکه به‌صورت‌هایی چون آداب‌ورسوم، ارزش‌ها و عقاید اجتماعی که دارای تشکیلات رسمی و مدون نیستند، نیز مشاهده می‌شوند (سیف‌اللهی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۴-۱۴۵). لذا نهاد نسبت به سازمان مفهوم



عام‌تری شناخته می‌شود و سازمان‌های اجتماعی به‌نوعی یک‌نهاد شناخته می‌شوند و بسیج نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۴-۱) بررسی نقش نهاد در فقرزدایی

نهادها در تمامی ساختارهای اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و به‌نوعی زمین‌بازی را تعیین می‌کنند. همین تفاوت‌های نهادی اختلاف میان کشورها را پدید می‌آورد. جواب‌های بسیاری برای پاسخ به این سؤال کلیدی که چه عاملی سبب ایجاد اختلاف میان کشورها در سطح رفاه و درآمد شده است، مطرح گردیده است که هر یک در جای خود قابل تأمل و مناقشه است ولیکن آنچه از همه این دلایل به نظر مبنایی‌تر می‌رسد بحث اختلافات نهادی میان قومیت‌ها و کشورهای گوناگون است. عجم اوغلو و رابینسون نیز به این نکته معترفند و در بیان علت این سطح از اختلافات میان کشورها این‌گونه بیان می‌کنند که کشورها از نظر موقعیت اقتصادی باهم متفاوتند، زیرا از لحاظ نهادها، قوانین مؤثر بر نحوه عملکرد اقتصاد و محرک‌های انگیزاننده افراد، یکسان نیستند (اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۳). با توجه به تعریفی که از مفهوم نهاد در بخش قبل داشتیم روشن گردید که نهاد یک بستر و چارچوب برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی است که لازمه این تعریف تنوع نهادی در بین کشورهای مختلف از حیث تغییر و تفاوت در بسترهای فرهنگی، دینی، عادات و رسوم، قوانین و مقررات و تفاوت در ساختارهای اجرایی است. لذا نهادهای گوناگونی در بین کشورهای مختلف وجود دارد که با یکدیگر متفاوت‌اند. این تفاوت در بسترهای نهادی، خود موجب تمایز کشورها در علل بروز پدیده فقر است به‌گونه‌ای که علل و منشأ فقر در کشورهای مختلف به‌شدت متفاوت است. تفاوت در علل فقر منجر به تفاوت در نسخه‌های ارائه‌شده برای اقلیم‌های متفاوت با بسترهای مختلف نهادی شده است. در اینجا به چند نمونه از راه‌کارهایی که برای کاهش فقر در بستر رویکرد نهادگرایی ارائه‌شده، پرداخته می‌شود:

○ رشد به نفع فقرا

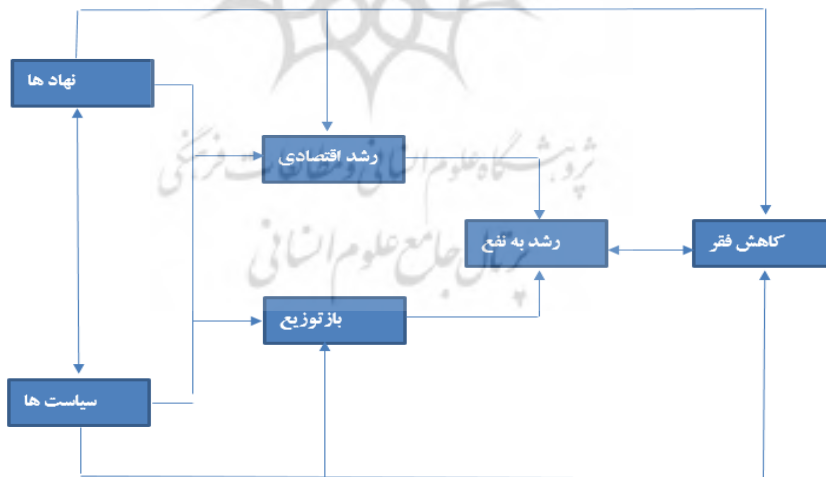
دو نوع تعریف از رشد به نفع فقرا را می‌توان بیان کرد. در تعریف اول هنگامی می‌توان گفت رشد به نفع فقرا بوده است که در آن فقر کاهش پیدا کند (راوالیون و چن، ۲۰۰۳). این تعریفی است که بانک جهانی از رشد به نفع فقرا ارائه می‌کند. تعریف دیگر، رشد به نفع فقرا را رشدی می‌داند که منافع حاصل از رشد بیشتر از افراد غیر فقیر، عاید افراد فقیر گردد (مک کلاک و رابسون، ۲۰۰۰). در تعریف نخست، رشد به نفع فقیر به میزان برآورد تغییر در فقر بستگی دارد. به‌طور طبیعی تنها بخشی از این موضوع به اتفاقی مربوط می‌شود که در توزیع رخ داده است و بخشی نیز به تغییر در متوسط استاندارد زندگی مربوط



می‌گردد. بر اساس این تعریف، رشد هرچند اندک، فقر را کاهش دهد به نفع فقیر خواهد بود. به عبارت دیگر، حتی اگر قدری از منافع رشد، متوجه افراد فقیر گردد. گرچه سهم عمده‌ای از منافع رشد را افراد غیر فقیر برده باشند، رشد را می‌توان به نفع فقیر دانست. در اینجا کلمه «به نفع فقیر» به معنی آن است که افراد فقیر منفعی از رشد را به دست آورند. با توجه به تعریف فوق، هرچند فقر افزایش نمی‌یابد اما نابرابری می‌تواند افزایش پیدا کند. این وضعیت که در مقایسه با افراد غیر فقیر، بخش کوچکی از منافع رشد متوجه افراد فقیر می‌شود، همان رشد ریزشی از غنی به فقیر است. این تعریف را می‌توان تعریف ضعیف رشد به نفع فقیر نامید. تعریف دیگر رشد به نفع فقیر به تغییر در توزیع در جریان رشد توجه دارد. بر اساس این تعریف، دقیقاً رشد به نفع فقیر وقتی است که درآمد افراد فقیر با نرخ بالاتر از افراد غیر فقیر افزایش یابد؛ بنابراین در این حالت چنانچه رشد، هم‌فقر و هم‌نابرابری را کاهش دهد به نفع فقیر است. این تعریف قوی رشد به نفع فقیر می‌باشد زیرا افراد فقیر باید نسبت به افراد غیر فقیر از منافع رشد بیشتر بهره‌مند شوند. (پیرایی و قناعتیان، ۱۳۸۵)

استراتژی بانک جهانی برای رشد به نفع فقرا به این صورت است که بانک جهانی به‌منظور رشد به نفع فقرا توصیه به تقویت و ارتقا بخش خصوصی و زیرساخت‌های توسعه دارد (بانک توسعه آسیا، ۲۰۰۲).

نمودار ۳: کاهش فقر از بعد نهادی



(Bank A. D., Poverty Reduction and The Role of Institutions In Developing Asia, 2002)



در نمودار فوق می‌توان نحوه اثرگذاری نهادها را در فرایند رشد اقتصادی به نفع فقرا مشاهده نمود. نهادها با اثرگذاری بر روی سیاست‌ها از یک‌سو بر روی باز توزیع اثر می‌گذارند و از این طریق تأثیر بر روی رشد به نفع فقرا دارند و از جهت دیگر با اثرگذاری بر روی رشد اقتصادی در رشد به نفع فقرا اثرگذار هستند. این الگویی بود که توسط بانک توسعه آسیا در سال ۲۰۰۲ معرفی گردید و نحوه اثرگذاری نهادها بر روی رشد به نفع فقرا و در نتیجه آن کاهش فقر را نشان می‌دهد.

○ نقش نهادهای سیاسی و دموکراسی در کاهش فقر

«یک ادبیات در حال ظهور وجود دارد که در مورد اهمیت تأثیر دموکراسی بر تسکین فقر بحث می‌کند. استدلال این ادبیات این است که آزادی‌های مدنی ابتدایی، مانند آزادی بیان و اختلاف‌نظر، دولت‌ها را در برابر اقدامات خود مسئول می‌سازند، در نتیجه عملکرد خود را بهبود می‌بخشند. طرفداران معروف این فرضیه Sen (۱۹۸۲) و Drèze و Sen (۱۹۸۹) هستند آن‌ها این‌گونه استدلال کرده‌اند که تاکنون هیچ کشوری با مطبوعات آزاد قحطی بزرگی را تجربه نکرده است (Drèze, 1989) آن‌ها فرض می‌کنند که ترس از تمرکز رسانه‌ها بر شکست دولت، باعث می‌شود که دولت‌ها مجبور به انجام اقدامات فوری در جهت رفع قحطی بشوند. باین‌حال، همان‌طور سن (۱۹۸۲، ۲۱۴) خود اشاره کرده است، مطبوعات آزاد لزوماً گرسنگی مداوم را از بین نمی‌برد چراکه «تداوم بی سروصدا یک گرسنگی معمولی و یک محرومیت موقت ارزش رسانه‌ای شدن را ندارند» مورد هند در این زمینه قابل تأمل است؛ درحالی‌که هند به دلیل مطبوعات آزادش موفق به جلوگیری از گرسنگی و قحطی در مقیاس بزرگ شده است، نسب به کشورهای دیگر مانند چین و سریلانکا بسیار کمتر در از بین بردن سوءتغذیه موفق بوده است. به همین ترتیب، یک مطالعه بین‌المللی از ۱۴۸۸ پروژه دولتی تأمین‌شده توسط بانک جهانی در کشورهای در حال توسعه در طول دوره ۱۹۷۴-۱۹۸۷ نشان داده است که عملکرد این پروژه در کشورهای دارای آزادی‌های مدنی بهتر بوده است. (Isham, 1997) تأثیر آزادی‌های مدنی بر عملکرد پروژه همچنان قوی و مثبت است حتی پس از کنترل کردن سایر متغیرهای سیاسی و اقتصادی. باین‌حال، ساده‌اندیشی است اگر فکر شود که دموکراسی یا آزادی‌های مدنی به‌تنهایی می‌توانند کاهش فقر را تضمین کنند. پس از این‌همه، تا همین اواخر این تفکر که وجود یک رهبری قدرتمند و استبدادی یک فاکتور مهم و ضروری در بین همه کشورهای ADCs بوده است که رشد اقتصادی سریع و کاهش فقر را تجربه کردند، به شکل گسترده‌ای وجود داشت. مانند کره و تایپه، چین در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰؛ تایلند در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰؛ و اندونزی در دهه‌های



۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰. برخی از محققان موفقیت کره و تایپه، چین در اجرای اصلاحات فراگیر زمین را به دیکتاتوری روشن فکرها نسبت داده‌اند^۱ (به‌عنوان مثال، هاگارد ۱۹۹۶). در عین حال، کاهش فقر در یکی از کشورهای دموکراتیک‌سیا هند، حداقل تا دهه ۱۹۹۰، در یکی از کمترین نرخ‌های منطقه بوده است. در بررسی برنامه‌های مبارزه با فقر در هند، (Kohli, 1987) استدلال کرد که حتی درون فضای دموکراسی نیز تفاوت‌هایی در نوع سیستم‌ها وجود دارد و این تفاوت‌ها به‌طور قابل توجهی در کاهش فقر مهم هستند. سه شاخصه مهم یک رژیم سیاسی به نفع فقرا در فضای دموکراسی عبارت‌اند از:

- (۱) رهبری منسجم و پایدار،
- (۲) ایدئولوژی طرفدار طبقه ضعیف،
- (۳) سازمان قوی مردمی.^۱

○ نقش جامعه مدنی در فقر زدایی

تعریفی که در اینجا از جامعه مدنی ارائه شد، تعریفی است که توسط جمعی از اقتصاددانان آمریکایی مطرح گردیده است و مورد قبول بانک جهانی است. بانک جهانی تعریف خود از جامعه مدنی این‌گونه بیان می‌دارد: «واژه جامعه مدنی اشاره به طیف گسترده‌ای از سازمان‌های غیردولتی و غیرانتفاعی دارد که در زندگی اجتماعی حضور داشته و مبین منافع و ارزش‌های اعضای خود و یا دیگران بر اساس ملاحظات اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، علمی، مذهبی و یا نوع‌دوستانه باشند.» (Bank T. W., 2013).

وجود جامعه مدنی برای فقرزدایی ضروری است. پیشرفت واقعی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از مردم سرچشمه می‌گیرد و فرایندی پیوسته و جاری است. یک حقیقت اساسی در قرن بیست و یکم وجود دارد و آن اینکه کشورهای قدرتمند و پویا دارای جوامع مدنی قدرتمند و پویا هستند. گسترش چشمگیری در اندازه، دامنه و ظرفیت جامعه مدنی در سراسر جهان در طول دهه گذشته، به وجود آمده است که این امر با فرایند جهانی شدن، گسترش حکومت دموکراتیک، ارتباطات از راه دور و یکپارچه‌سازی اقتصادی اتفاق افتاده است. با توجه به سالنامه سازمان‌های بین‌المللی، تعداد سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی از ۶۰۰۰ سازمان در سال ۱۹۹۰ به بیش از ۵۰،۰۰۰ سازمان در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است. سازمان‌های جامعه مدنی نیز تبدیل به بازیگران مهمی برای ارائه خدمات



^۱ Bank A. D., Poverty Reduction and The Role of Institutions In Developing Asia, 2002

اجتماعی و اجرای برنامه‌های توسعه شده‌اند. این سازمان‌ها مکمل اقدامات دولت‌ها، به‌ویژه در مناطقی که حضور دولت بر اساس شرایط پس از جنگ و یا حوادث طبیعی غیرمترقبه، ضعیف شده، می‌باشد. به‌طور مثال یکی از موارد دخالت سازمان‌های جامعه مدنی در امدادرسانی پس از فاجعه سونامی در آسیا را می‌توان نام برد که به بازسازی سونامی بعد از سال ۲۰۰۶ پرداختند. (بانک جهانی، ۲۰۱۳) طی دو دهه گذشته، نفوذ سازمان‌های جامعه مدنی در شکل دادن به سیاست عمومی جهانی افزایش یافته است. این پویایی با ایجاد کمپین‌های موفق در مسائلی نظیر ممنوعیت مین‌های زمینی، لغو بدهی‌ها و حفاظت از محیط‌زیست به تصویر کشیده شده است که هزاران نفر از طرفداران در سراسر جهان در حمایت از آن بسیج شده‌اند. یک نمونه از پویایی جامعه مدنی جهانی، انجمن اجتماعی جهان می‌باشد که سالانه از سال ۲۰۰۱ در قاره‌های مختلف برگزار شده است و طی آن ده‌ها هزار نفر از فعالان سازمان‌های جامعه مدنی به بحث در مورد مسائل توسعه جهانی پرداخته‌اند. مثال دیگر از اهمیت جامعه مدنی فراخوان جهانی اقدام علیه فقر است. این کمپین جامعه مدنی بین‌المللی درصدد کاهش بدهی و کمک بیشتر به کشورهای فقیر است. در سال ۲۰۰۸، تخمین زده شد که این سازمان توانست بیش از ۱۱۶ میلیون نفر از شهروندان را برای شرکت در حوادث فقر در شهرها در سراسر جهان بسیج نماید. (بانک جهانی، ۲۰۱۳) (به نقل از عبداللہی، محسن؛ بشیری موسوی، مهشید؛ ۱۳۹۴) «از این رو سازمان‌های جامعه مدنی از اهمیت زیادی در فقرزدایی برخوردارند که از چند منظر قابل بررسی است.

(۱) سازمان‌های جامعه مدنی به‌عنوان حد واسط میان دولت و جامعه عمل می‌کنند. جامعه مدنی همراه با دولت، نماینده مردم و بازار کارآمد از عناصر ضروری هر کشور آزاد است. دولت برخلاف شبکه پهن‌آور و گسترده‌ای که دارد می‌تواند به‌طور فیزیکی و اجتماعی از فقرا فاصله داشته باشد. بنابراین سازمان‌های جامعه مدنی زمینه‌هایی را که می‌توانند نقش مهم و واسطه‌ای برای ارائه خدمات به فقرا داشته باشند، ترویج می‌کنند. این سازمان‌ها، کارآیی، اثربخشی و انعطاف‌پذیری را در اجرای برنامه‌ها در سطح اجتماعات محلی اثبات کرده‌اند. ظهور سازمان‌های مردم‌نهاد ویژه‌ای که دارای کارکردهایی در بعضی بخش‌ها هستند دولت‌ها را قادر ساخته است که با این سازمان‌ها در اجرای



مسائلی مانند مشاوره و اطلاع‌رسانی، آموزش، برنامه‌های اجتماعی و دیگر برنامه‌های توسعه اقتصادی محلی همکاری داشته باشند.

۲) سازمان‌های جامعه مدنی بهترین نهادهایی هستند که می‌توانند موجبات مشارکت مردم خصوصاً گروه‌های فقیر جامعه را فراهم آورند. برای دستیابی به توسعه باید به توسعه مشارکتی بر اساس تجارب موجود، روی آورد که پایدارترین شکل توسعه است. تعاریف مختلفی از مشارکت ارائه شده است. یکی از این تعاریف بیان می‌دارد: مشارکت یعنی این‌که باور کنیم که ذی‌صلاح‌ترین فرد یا گروه برای تعیین تکلیف جریان تغییر، آن‌هایی هستند که زندگی و معیشتشان بیشترین تأثیر را از آن جریان می‌پذیرد. به تبع این باور، مشارکتی عمل کردن یعنی به‌گونه‌ای عمل کنیم که این افراد قدرت تأثیرگذاری روی این جریان‌ها را پیدا کنند. (موسوی نژاد، ۱۳۹۲)

این رهیافت برای کاهش فقر، ابتکار یا مدلی است که عمدتاً خاستگاه آسیایی دارد. ریشه این مدل اساساً به تجربه گرامین بانک بنگلادش، کمیته پیشرفت روستایی بنگلادش، پروژه بایلوت اورنگی در کراچی و برنامه حمایت فقرای روستای آقاخان در پاکستان، انجمن زنان خویش‌فرما و مجمع زنان کارگر در هندوستان و برخی تجربیات دیگر برمی‌گردد که در آن بسیج اجتماعی و سازمان‌دهی فقرا به‌عنوان کلید موفقیت شناخته شده است. اصل بنیادین بسیج اجتماعی این است که فقرا باید خود راه‌حل مشکلات ناشی از فقرشان را شناسایی و آن‌ها را به‌کارگیرند. ارزیابی مشارکتی فقر، یک فرایند پژوهشی مشارکتی است که به دنبال درک فقر در زمینه‌های محلی، اجتماعی، نهادی و سیاسی می‌باشد. این امر ترکیبی از دیدگاه‌های طیف وسیعی از ذینفعان و مسائل مربوط به کسانی است که به‌طور مستقیم در پیگیری برنامه‌ریزی اقدامات فقرزدایی دخیل‌اند. ارزیابی مشارکتی فقر را می‌توان به‌عنوان ابزاری تعریف نمود که دربردارنده دیدگاه مردم فقیر در تجزیه و تحلیل از فقر و تدوین رویکردهای فقرزدایی از طریق سیاست‌های عمومی است.» (مهشید، ۱۳۹۵)



۲) پیشینه پژوهش

نویسندگان روش استفاده شده	اهداف و یا سؤالات اصلی	مهم ترین یافته‌ها
بانک توسعه آسیا (۱۹۹۹)	تبیین راهکارها در جهت کاهش فقر و فاصله میان کشورها را تحت عنوان یک ساختار نهادی	«از آنجاکه فقر دلیل و مشخصه تفاوت کشورهاست، نقطه شروع باید بررسی جامع محدودیت‌ها و فرصت‌ها برای کاهش فقر در هر کشور باشد. بنابراین نیاز است به فهم طبیعت، شدت و وسعت فقر؛ همچنین اثرات توزیعی سیاست‌های اقتصاد کلان، تمرکز و کارایی مخارج عمومی و اثربخشی برنامه‌های دولت و نهادها. بر این اساس سه رکن راهبرد کاهش نابرابری و فقر بانک توسعه آسیا عبارت‌اند از: ≠ رشد اقتصادی پایدار به نفع فقرا ≠ توسعه اجتماعی شامل توسعه سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی ≠ مدیریت اقتصاد کلان و حکمرانی خوب
بانک جهانی (۲۰۰۰)	ارائه گزارش بانک توسعه جهانی در راستای مبارزه با فقر در یک چارچوب تحلیلی جدید با تمرکز روی حکومت و نهادها	سه محور اساسی برای کاهش فقر را بهبود فرصت‌ها، تسهیل توانمندسازی و افزایش امنیت قرار می‌دهد. رویکردهای اخیر کاهش فقر با وجود اختلاف‌های سطحی، ویژگی‌های مشترکی دارند. همه رویکردها بر اهمیت رشد فراگیر و توسعه نهادها در جهت حکمرانی خوب و پاسخگویی، توسعه اجتماعی انسانی، حمایت اجتماعی و همچنین سیاست‌های کاهش فقر تأکید دارند
سراج‌الدین و جهانیان (۱۳۸۲)	به این سؤال پاسخ می‌دهد که نسبت فقرزدایی و وابستگی و تعلق می‌بایست چگونه باشد؟ راهبرد	با تکیه بر چهار مفهوم در اخلاق اسلامی تأکید می‌کند که سیاست‌گذاری‌ها باید در جهتی باشند که فعالیت‌های غیراخلاقی وابستگی و تعلق و



نیازمندی ^۱ را توسعه ندهند و یا نباید سبب نهادینه‌سازی فقر شوند. وی با تکیه بر شواهد ادراکی و تجربی نتیجه می‌گیرد که اخلاق اسلامی از راهبرد فقرزدایی مبتنی بر اصل ارتقا دهنده رشد اقتصادی همراه با عدالتی مولد حمایت می‌کند.	اسلام برای فقرزدایی چیست؟	
رشد همواره به نفع فقرا نیست. آن‌ها این‌گونه بیان می‌دارند که در طی دوره مورد مطالعه رشد به شکل ضعیفی به نفع فقرا بوده است.	آیا رشد اقتصادی در ایران به نفع فقر بوده است؟	پیرانی و قناعتیان (۱۳۸۵)
داده‌های این پژوهش وجود رابطه مثبت میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کیفیت نهادی بر روی فقر را نشان می‌دهد.	بررسی رابطه‌ی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کیفیت نهادی روی فقر پرداختند و ضمن این پژوهش که با استفاده از روش پانل تصادفی میان کشورهای حوزه منا طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹	اسد زاده و دیگران (۱۳۹۰)
عواملی چون مسائل اعتقادی و معنوی، انگیزه‌های درونی و انقلابی، منزلت اجتماعی، امتیازات قانونی، آسان بودن جذب و مراحل پذیرش، مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها، برگزاری فعالیت‌های علمی-آموزشی و پژوهشی توسط بسیج در جذب نخبگان پزشک مؤثر است	عوامل مؤثر بر جذب نخبگان پزشک کشور به سازمان بسیج	طوسی و مهری (۱۳۹۰)
بسیج با تدوین قوانین حمایتی، برنامه‌ریزی، آموزش و اطلاع‌رسانی صحیح و به‌موقع و تأمین نیروی متخصص می‌تواند در فرهنگ‌سازی و	بررسی نقش بسیج در فرهنگ‌سازی و پیشگیری از	حبیبی و دیگران (۱۳۹۰)



¹ dependency

پیشگیری از سوءمصرف مواد مخدر ایفاگر نقش باشد.	سوءمصرف مواد مخدر	
عوامل نهادی متعددی می‌تواند در فقر فقرا دخیل باشد که از آن جمله، می‌توان طبقه مرفه و روحیه یغماگرانه آن و تلاش‌هایش برای تحمیل و اشاعه الگوهای رفتاری غیرعقلایی به‌ظاهر عقلایی را بیان کرد که موجب هدایت منابع به سمت خواسته‌های اغنیا می‌شود.	عوامل نهادی مؤثر بر فقرزدایی چیست؟	مشهدی احمد (۱۳۹۱)
در تمامی سطوح، توانمندسازی در حد قابل قبول بوده، ولی بسیج در توانمندی شناختی کافی (مشمتمل بر احساس مؤثر بودن، احساس شایستگی، معناداری و حق انتخاب) دارای ضعف است	بررسی سطوح توانمندی بسیجیان	نوروزی و دیگران (۱۳۹۲)
سه دسته راه‌حل‌های مستقیم و خدمات اجتماعی عمومی و عوامل نهادی به‌عنوان سیاست‌های کلی کاهش فقر محسوب می‌شوند که طبق آن می‌بایست هر ۳ را به‌طور هم‌زمان دنبال نمود.	بررسی راهکارهای رفع فقر در اقتصاد نهادگرایی و بیان سیاست‌های مستقیم کاهش فقر، به بیان راهکارهای نهادی مطرح‌شده برای فقر در کنار سیاست‌های مستقیم می‌پردازد	غفاری (۱۳۹۳)
هفت عنصر اصلی نظام تقدیر الهی، عوامل طبیعی و ذاتی در افراد مستعد، فرایند پرورش استعدادها، عوامل تعدیل‌کننده شخصی پرورش استعدادها، عوامل تعدیل‌کننده محیطی (غیرشخصی) پرورش استعدادها، حوزه‌های عملکرد و مصادیق نخبگی استعدادها، پرورش‌یافته و کمال و قرب الهی را به‌عنوان عوامل اصلی احصا کرده است که در یک نظام ارتباطی فرایندی و سیستمی باهم تعامل دارند.	تبیین الگوی راهبردی شناسایی و کشف استعدادها در رخشان در بسیج	تیموری و نجفی (۱۳۹۳)



<p>نتایج به‌دست‌آمده بیانگر این است که بسیج محلات در ارتقای سطح فرهنگی و علمی بسیجیان مؤثر هستند. اعضای بسیج تمایل بیشتری به همکاری در زمینه‌های فرهنگی تا زمینه‌های علمی نشان می‌دهند.</p>	<p>بررسی دیدگاه بسیجیان در مورد نقش بسیج محلات در ارتقای سطح علمی - فرهنگی اعضای بسیج</p>	<p>حاجی‌زاده و مهدی‌زاده (۱۳۹۳)</p>
<p>کالبدشکافی و تبیین اصول و ارزش‌های قیام عاشورا و فلسفه انتظار (به‌عنوان چشم‌انداز بشریت) در بستر دولت زمینه‌ساز (انقلاب و نظام اسلامی) راه‌کارهایی هستند که در شرایط عدم قطعیت‌های موجود در جهان در حال تغییر، چشم‌انداز و سناریوهای مختلف در اختیار حرکت بیداری اسلامی و توسعه جنبش‌های آزادی‌بخش در قالب بسیج جهانی مستضعفین قرار می‌دهد و لازم است متناسب با شرایط فرهنگی و بومی هر منطقه، راهبرد مناسبی برای تحقق آن اتخاذ شود.</p>	<p>درصد پاسخ به این سوال است که بنیان‌های نظری و عملی تشکیل بسیج جهانی مستضعفین در انقلاب اسلامی کدامند؟ پیوندها و قیود آن چیست و چگونه می‌توان این نسبت را در فرایند بیداری اسلامی بازخوانی کرد.</p>	<p>گودرزی و عبدالملکی (۱۳۹۳)</p>
<p>عملکرد و مدیریت فرمانده پایگاه، بیشترین تأثیر را در جذب جوانان به خود اختصاص داده است</p>	<p>بررسی عوامل سازمانی مؤثر بر جذب جوانان به بسیج مساجد (با تأکید بر شهر تبریز)</p>	<p>عزیزی و دیگران (۱۳۹۴)</p>
<p>ارائه چارچوبی که به‌مثابه یک نقشه راه عملیاتی است که با توجه به شاخص‌های طراحی شده، وضعیت نهادی عرصه‌های سازندگی در کشور، قابل شناخت است، مهم‌ترین خروجی این چارچوب‌ها است.</p>	<p>چگونه و با چه چارچوبی می‌توان نوع مداخله و اثرگذاری مطلوب را برای بسیج سازندگی به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی این عرصه طراحی کرد؟</p>	<p>امامی و باقری (۱۳۹۴)</p>



<p>نتایج حاصل از تحقیق بیانگر این است که حدود ۹۵,۳ درصد تغییرات متغیر وابسته (پیشگیری از بزه) توسط تغییرات در متغیر مستقل (فعالیت‌های نهاد بسیج)، و حدود ۹۲,۴ درصد تغییرات متغیر وابسته (حفظ امنیت اجتماعی) توسط تغییرات در متغیر مستقل (فعالیت‌های نهاد بسیج)، و حدود ۹۸,۳ درصد تغییرات متغیر وابسته (حفظ امنیت اخلاقی) توسط تغییرات در متغیر مستقل (فعالیت‌های نهاد بسیج)، تبیین می‌شود</p>	<p>بررسی تأثیر نهاد بسیج در پیشگیری از بزه‌کاری و حفظ امنیت اجتماعی و اخلاقی در سطح شهرستان بناب</p>	<p>بیگی و حیدرنژاد (۱۳۹۴)</p>
<p>انگیزه ایمانی که در بسیج دانشجویی با عنوان «تکلیف محوری» شناخته می‌شود، بر پایه دو موضوع مهم تفکر مکتبی و تقوای دینی هسته اصلی و قابلیت محوری برای رهبری در این سازمان است.</p>	<p>اصلی‌ترین شایستگی‌های لازم برای رهبری این سازمان</p>	<p>شاه‌آبادی و زلقی (۱۳۹۵)</p>
<p>نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد حرکت در جهت ساختاری دموکراتیک مهم‌ترین اصلاح نهادی است که باید در ایران در دستور کار قرار گیرد. این اقدام تنها راهکار عملی کاهش نابرابری و رشد پایدار در کشور است. آن‌ها نگاه نهادگرایانه را برای توسعه و مقابله با فقر تبیین‌کننده‌تر از نگاه اقتصاد کلاسیک می‌دانند.</p>	<p>رویکرد نهادی به توسعه چگونه است و دلالت‌های آن برای ایران کدام است؟</p>	<p>مؤمنی و نیکو نسبتهی (۱۳۹۶)</p>
<p>نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تاکنون سپاه و بسیج در قالب‌های مختلف همواره در زمینه برقراری امنیت و توانمندسازی بیشتر این مناطق در جهت امنیت پایدار تلاش کرده‌اند که نتایج تحقیق به‌درستی این را اثبات می‌کند</p>	<p>که در مناطق حاشیه‌نشین مشهد، سپاه و بسیج چه نقشی دارد و می‌تواند</p>	<p>نطاق پور و دیگران (۱۳۹۶)</p>
<p>این پژوهش در طی سه سال اجرا و پایش خود نشان می‌دهد که اجرای ساختار ارگانیک به بهبود بهره‌وری و عملکرد مجموعه منتج می‌شود.</p>	<p>تأثیر اجرای ساختار ارگانیک در مقابل ساختار مکانیک در بسیج</p>	<p>کاشیان (۱۳۹۸)</p>



○ وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین:

از نوآوری‌های مقاله حاضر تبیین هندسه نهادی فقرزدایی در حکومت اسلامی با تحلیل مضمون متون اصیل حدیثی شیعه است که سابقه‌ای در تحقیقات پیشین ندارد و نوآوری دیگر آن ارتباط دادن بین اهداف و فعالیت‌های راهبردی بسیج و هندسه نهادی فقرزدایی در حکومت اسلامی است که یک مسیر درست و متناسب با اهداف حکومت اسلامی را تبیین می‌نماید.

۳) روش تحقیق

تحقیق حاضر از بعد ماهیت و نوع تحقیق یک تحقیق بنیادی محسوب می‌شود، چراکه به دنبال آن است که یک چارچوب نظری و بنیادی از رویکرد نهادی اسلام، به یک پدیده اجتماعی یعنی فقر بپردازد و هندسه نهادی آن را کشف نماید. از آنجاکه در ادامه کار این چارچوب بر فعالیت‌ها و عملکرد بسیج تطبیق داده می‌شود، چه بسا تحقیق، توسعه‌ای نیز قلمداد شود.

استراژی کلی تحقیق

از آنجاکه تحقیق حاضر با مراجعه به متون روایی شیعه و استخراج احادیث مرتبط و نیز به بررسی و تحلیل موضوعات اصلی کلیه احادیث به‌منظور ایجاد یک دسته‌بندی موضوعی و ارائه یک چارچوب نهادی می‌پردازد، یک تحقیق کیفی محسوب می‌شود. مقایسه تطبیقی آن با بسیج نیز از چارچوب کیفی خارج نیست.

تعریف مفاهیم یا متغیرها

مهم‌ترین مفهوم در این پژوهش که تمامی ساختار مطالعه بر آن استوار است، نهاد است. در واقع نهاد بر اساس تعاریفی که از آن ارائه شد، یک مفهوم کلیدی در این پژوهش است که انطباق موضوعی احادیث و دسته‌بندی و طراحی هندسه موردنظر بر آن اساس استوار است. شناسایی کلیه نهادهایی که می‌توانند در فقرزدایی مؤثر باشند و دسته‌بندی آن از مهم‌ترین محورهای این پژوهش است.

روش‌های گردآوری داده‌ها

به‌طورکلی داده‌های پژوهش از ۵ عنوان خارج نیست: کتابخانه‌ای، اسنادی، مصاحبه، پرسشنامه، تجربی. بر اساس آنچه به‌عنوان هدف این مقاله مطرح شده است، داده‌های موردنیاز این پژوهش کتابخانه‌ای هستند که از طریق نرم‌افزارهای روایی شیعه امکان دسترسی به همه آن‌ها وجود دارد.



روش‌های تحلیل داده‌ها^۱

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش تحلیل محتوا یا مضمون است. این از گذشته‌ای نسبتاً دور مورد استفاده قرار گرفته و امروزه در علوم اجتماعی و خارج از آن، کاربرد فراوانی یافته است. روش تحلیل محتوا در ساده‌ترین شکل، به بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز پژوهش از متن مورد مطالعه می‌پردازد؛ مفاهیمی که در قالب مقولاتی منظم، سامان می‌یابند. روش تحلیل محتوا بر این فرض بنا شده است که با تحلیل پیام‌های زبانی می‌توان به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های درک و سازمان‌یافتگی جهان دست‌یافت (ویلیکینسون و بیرمینگام، ۲۰۰۶، ص ۶۸). محقق با رجوع به داده‌های مورد مطالعه، به تدریج آن‌ها را خلاصه می‌کند تا در نهایت به اصلی‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع تحقیق دست پیدا کند. در واقع، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی، دستیابی به اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- ۱) تبدیل اطلاعات متنی گسترده به مطالب خلاصه و چکیده، و استخراج اصلی‌ترین مضامین موجود در آن.
- ۲) ایجاد ارتباط دقیق و روشن میان پرسش‌های تحقیقی و یافته‌های به دست آمده.
- ۳) ایجاد یک مدل یا نظریه پیرامون ساختار متن مورد مطالعه و یا کشف فرایندهایی که در متن مستتر است

از این منظر، تحلیل محتوای کیفی، از داده‌های متنی پراکنده حرکت می‌کند و با بیرون کشیدن مفاهیم مستتر در آن، به تدریج به سطوح انتزاعی‌تری از متن دست می‌یابد. دستیابی به یک مدل یا چارچوب نظری که نظم‌های نهفته و الگوهای تکرارشونده در متن را نشان دهد، می‌تواند پایان‌بخش تحقیق باشد. در بخش پایانی این دست تحقیقات، یافته‌های برخاسته از متن، ارائه و تفسیر می‌شوند. در اینجا می‌توان از داده‌های نظری موجود برای بررسی نتایج تحقیق و یا مقایسه با آن سود برد و این می‌تواند به‌عنوان نوعی گذر به منطق قیاسی در بخش گزارش تحقیق در نظر گرفته شود. بخش‌هایی از متون مورد مطالعه نیز می‌توانند برای مستند کردن یافته‌های تحقیقی مورد استفاده قرار گیرند (هسیوفنگ و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۷۸-۱۲۸۱) و الو و کینگاس، ۲۰۰۷، صص ۱۰۹-۱۱).

^۱ روش تحلیل با روش گردآوری متفاوت است. لطفاً روش کتابخانه‌ای و اسنادی را به‌عنوان روش تحلیل بیان نکنید که واقعا نشان از عدم تسلط نویسنده به روش تحقیق دارد



جامعه و نمونه

جامعه مورد پژوهش تحقیقات از این دست، مجموعه احادیث شیعه است و نمونه آماری نیز از مجموعه احادیثی مرتبط نرم افزار جامع احادیث نور به دست می‌آید.

روایی و پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات

به طور کلی در این دست از تحقیقات ۸۰ درصد از احادیث به عنوان معیار و ملاک ساخت نظریه مورد استفاده قرار می‌گیرد و از ۲۰ درصد باقی برای روایی و پایایی مدل استفاده می‌شود.

مراحل انجام و به‌کارگیری روش

روش تحلیل محتوا یکی از روش‌هایی است که به‌منظور استخراج نظامات حاکم بر مفاهیم اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله این موارد استفاده از این روش در تحلیل نظام‌مند احادیث شیعه برای رسیدن به یک مدل مفهومی و چارچوب کلی است که چارچوب کیفی آن به طرح زیر است (جانی‌پور و شکرانی، ۱۳۹۲):

- ۱) تجمیع کلیه احادیث حسب موضوع
- ۲) بررسی کامل محتوای هر حدیث جهت یافتن و کلیدواژگان آن
- ۳) بررسی کامل عناصر تشکیل‌دهنده هر حدیث جهت یافتن موضوعات فرعی آن
- ۴) ثبت سؤال‌ها و نکات قابل توجه هر حدیث حسب موضوع به‌منظور تحلیل محتوای کلیات آن
- ۵) بررسی و تحلیل موضوعات اصلی کلیه احادیث به‌منظور ایجاد یک دسته‌بندی موضوعی.
- ۶) بررسی و تحلیل موضوعات فرعی هر دسته، به‌منظور ایجاد یک طبقه‌بندی مضمونی برای هر موضوع.
- ۷) مدل‌سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج تحقیق.
- ۸) بررسی و انطباق مدل با اهداف و رویکردهای بسیج

توضیحات لازم در خصوص روش‌های جدید به‌نحوی که اولاً معرف روش بوده و ثانیاً بیانگر و روشن‌کننده رویکرد استفاده‌شده باشد.



۴) یافته‌های تحقیق

تحلیل محتوای احادیث حسب روشی که پیش‌تر بدان اشاره شد، دلالت بر آن دارد که از بعد نهادی، حکومت اسلامی دارای ساختاری منسجم و هندسه‌ای نظام‌مند از ترتیبات نهادی در فقرزدایی است. طبقه‌بندی احادیث شیعه در خصوص نهادهای تأثیرگذار به شناسایی ۸ نهاد مهم و تأثیرگذار در حکومت اسلامی منجر شد که نقش بسیار مهمی در فقرزدایی دارند. جدای از شناسایی این نهادها، شیوه ارتباط آن‌ها نیز قابل توجه است که می‌تواند به الگویی برای فقرزدایی منجر شود. ضمن اینکه تطبیق این ساختار با رویکرد و جایگاه بسیج نیز می‌تواند منجر به ارائه یک سازوکار برای رسیدن به این الگوی جامع و مطلوب در حکومت اسلامی باشد. در ادامه به معرفی لایه‌های نهادی برآمده از احادیث اشاره خواهیم کرد.

○ لایه اول: خودکفایی از طریق کار و تلاش اقتصادی برای رفع فقر

از جمله آموزه‌هایی که در دین مبین اسلام بسیار مورد توجه و تأکید قرار گرفته است و احادیث زیادی بر آن دلالت دارند، مسئله کار و اشتغال است. چنانکه کسب روزی حلال به‌عنوان یک فریضه برای مسلمانان شناخته شده است. لذا در اولین گام بر هر فرد مسلمان واجب است که باکار و تلاش اقتصادی روزی خود و افراد تحت تکفل خود را تأمین نماید و فقیر نماند. برای تحقق این هدف وجود قوانین مناسب، فضای کسب‌وکار باکیفیت، فرهنگ اقتصادی صحیح و امثال آن از جمله سایر نهادهایی است که می‌تواند به موفقیت فرد کمک کند که شرح آن خارج از بحث حاضر است. اما آنچه دارای اهمیت است، اولین لایه فقرزدایی در جامعه فرد و تلاش کوشش او در جهت کسب حلال برای خود و خانواده تحت تکفل است. بخش مهمی از روایات به این مسئله پرداخته‌اند. لذا کسانی که توانایی کار و فعالیت اقتصادی دارند و دریغ می‌کنند، هیچ تضمینی برای مشکلات ناشی از فقر او وجود نخواهد داشت.

طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ. کار کردن برای کسب روزی حلال بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.

○ لایه دوم: نهاد خانواده

در مسیر از فرد به دولت اولین لایه حمایتی خانواده است. چنانچه فرد علی‌رغم تلاش و کوشش اقتصادی نتواند نیازهای اساسی خود را برطرف نماید و دچار فقر شود، اولی‌ترین



افراد به رفع فقر وی افراد خانواده می‌باشند. خانواده ابتدایی‌ترین هسته‌ای است که جامعه از آنجا به تدریج رشد می‌کند و به ارحام نزدیک و دور و سپس از یکسو به عشیره، قبیله، قوم و امت و ملت و از سوی دیگر به روستا و شهر، کشور و قاره توسعه می‌یابد» (جوادی آملی، ۱۳۹۱). حقوقی که اسلام برای اعضای خانواده قرارداد می‌کند از یک رابطه دوسویه و تقابل برخوردار است به این شکل که همه اعضا خانواده در برابر یکدیگر مسئول شناخته می‌شوند چنانکه امیرالمومنین علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«ان للولد علی الوالد حقاً و آن للوالد علی الولد حقاً» (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹)

خداوند متعال می‌فرماید:

«و آن کس که فرزند برای او متولد شده / پدر / باید خوراک و پوشاک مادر را به‌طور شایسته (در مدت شیر دادن) بپردازد.»^۱

لذا در اسلام به جهت رفع نیاز افراد اولین لایه حمایتی تحت عنوان نهاد خانواده شکل گرفته است و در فقه اسلامی از وجوب نفقه فرزندان و در مقابل در صورت نیاز والدین از وجوب نفقه والدین بر فرزندان سخن گفته شده است. در باب چهارم کتاب منابع فقه شیعه تحت عنوان وجوب نفقه والدین و فرزندان و استحباب نفقه خویشاوندان و توسعه در خانواده احادیثی در مورد لزوم پرداختن به خانواده را انتخاب نموده‌ایم که گوشه‌ای از اهمیت این مسئله را بر ما روشن می‌سازد.

۱- حریر گوید: «از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: به چه کسی مهربانی ورزم و مخارج چه کسی به گردن من است؟ حضرت فرمود: پدر، مادر، فرزند و همسر.» (بروجردی، ۱۳۸۰ ه.ق)

۲- محمد بن مسلم گوید: «به امام صادق علیه‌السلام گفتم: نفقه کدام یک از خویشان مرد به گردن اوست؟ حضرت در پاسخ فرمود: پدر، مادر، فرزند و زن.» (بروجردی، ۱۳۸۰ ه.ق)

۳- امیر مؤمنان علی علیه‌السلام فرمود: «مردی خدمت پیامبر صلی‌الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! من یک دینار دارم، شما چه دستوری درباره آن دارید؟ حضرت فرمود: آن را خرج مادرت کن. او گفت: یک دینار دیگر دارم درباره آنچه دستور می‌دهید؟ حضرت فرمود:

^۱ قرآن کریم/سوره بقره/۲۳۲



آن را خرج پدرت کن. او گفت: یک دینار دیگر هم دارم چه دستوری درباره آن می‌دهید؟ حضرت فرمود: آن را بر برادرت خرج کن. او گفت: دینار دیگری هم دارم دستورتان چیست؟ و به خدا سوگند که جز آن ندارم. حضرت فرمود: آن را در راه خدا خرج کن و این از همه آن‌ها پاداشش کمتر است.» (بروجردی، ۱۳۸۰ ه.ق)

۴- محمد بن مسلم گوید: «از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام درباره فرموده خداوند عز و جل: «و بر وارث (او نیز) لازم است مثل این کار را انجام دهد / هزینه مادر را در دوران شیر دادن تأمین نماید»، پرسیدم که فرمودند: درباره این است که همان‌گونه که نفقه بر پدر است بر وارث نیز هست.» (بروجردی، ۱۳۸۰ ه.ق)

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا می‌دانید که کدام نفقه در راه خدا برتر است؟ گفتند: خدا و رسولش آگاه‌ترند. حضرت فرمود: نفقه فرزند بر پدر و مادر.» (بروجردی، ۱۳۸۰ ه.ق)

○ لایه سوم: نهاد خویشاوندان

سومین لایه حمایتی نهاد خویشاوندان است. چنانچه نهاد خانواده در لایه دوم نیز نتواند نیازهای فردی فقیر را برطرف نماید، نوبت به خویشاوندان می‌رسد و ایشان از باب تکافل اجتماعی واسطه رفع فقر خواهند بود. وجوب صلہ رحم و پرداختن به خویشاوندان را می‌توان یکی از مهم‌ترین اعمال در اسلام شمرد که تأکید بسیاری به آن شده است. چنانکه شیخ صدوق (رضی الله عنه) در کتاب شریف من لا یحضره الفیقه در باب استحباب صدقه می‌فرماید:

وَقَالَ صَ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَ صِلَةُ الْإِخْوَانِ بِعِشْرِينَ وَ صِلَةُ الرَّحِمِ بِأَرْبَعَةٍ وَ عِشْرِينَ.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ه.ق)

همان‌طور که در حدیث شریف نبوی به آن اشاره شده است ثواب صلہ رحم و کمک به خانواده بالاتر از کمک به برادران بوده و در مرحله بعد قرض دادن برتر از صدقه دادن شمرده شده است که در این بین آنچه مورد توجه ما است این مسئله است که چنانچه گذشت اولویت در انفاق با کمک به خویشاوندان است. لزوم پرداختن به ذی رحم و خویشاوندان تا آنجا مورد تأکید است که در حدیث شریفی در پاسخ به این سؤال که کدام صدقه بافضیلت تر است؟ حضرت می‌فرماید صدقه به فردی از خویشاوندان که با تو در دشمنی است:

وَسئِلَ عَ أَيِّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ قَالَ عَلِيُّ ذِي الرَّحِمِ الْكَاشِحِ. (ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ه.ق)



و یا در حدیثی دیگر حضرت دادن صدقه به غیر را در صورتی که خویشاوندان فرد فقیر باشند رد می‌فرمایند:

وَقَالَ عَ لَأَ صَدَقَةً وَ دُو رَحِمٍ مُّحْتَاَجٍّ. (ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ه‍.ق)

این حدیث دلالت بر تقدم صدقه به خویشاوندان بر غیره دارد و می‌فرماید تا زمانی که از خویشاوندان فقیری وجود دارد، پرداختن به دیگران جایز نیست.

در کتاب غررالحکم آمده است که امام علی علیه‌السلام فرمود:

«آگاه باشید! کسی از شما از خویشاوندی که می‌بیند تنگدست است روگردان نباشد از اینکه او را با چیزی کمک کند که اگر از کمک کردن دریغ ورزد بر مالش نمی‌افزاید و اگر آن را بدهد چیزی از او کم نمی‌کند.» (بروجردی، ۱۳۸۰ ه‍.ق).

○ لایه چهارم: نهاد عشیره

زمانی که هیچ‌کدام از لایه‌های پیشین در رفع فقر موفق نشوند، نوبت به لایه چهارم یا نهاد عشیره خواهد رسید که بعد از فرد در واقع سومین لایه نهادی حمایتی در اسلام می‌شود. در فرهنگ لغت دهخدا در معنای واژه عشیره چنین آمده است:

عشیره. [ع ر] (ع ا) برادران و قبیله و تبار و نزدیکان از جانب آباء. (منتهی الارب). خویشان و تبار و اهل خانه. (غیاث اللغات). خویش نزدیک و خویشاوندان نزدیک. (دهار). خویشان و دودمان. (مذهب الاسماء). گروهی از قبیله، کوچک‌تر از فصیله. (مفاتیح العلوم): عشیره الرجل؛ نزدیک‌ترین فرزندان پدر شخص و یا قبیله او (دهخدا، علی‌اکبر)

توجه به عشیره در روایت و احادیث شیعه در کنار توجه به رحم و خویشاوندان مورد تأکید امامان شیعه بوده است چنانکه امیرالمؤمنین در وصیت خود به فرزند بزرگوارشان امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌فرمایند:

«وَ أَكْرِمُ عَشِيرَتَكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَأَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ وَ بِهِمْ تَصُولُ وَ هُمْ أَلْعَدَّةُ عِنْدَ الشِّدَّةِ» ،

در حدیث دیگری از امیرالمؤمنین حضرت نفقه یتیم را از نزدیک‌ترین فرد در عشیره او تعیین فرمودند. امام صادق علیه‌السلام فرمود:



«یتیمی را نزد امیر مؤمنان علیه السلام آوردند. حضرت فرمود: نفقه او را از نزدیک‌ترین فرد قبيله به او بگیريد، همان‌گونه که او ارث یتیم را می‌خورد. (از یتیم ارث می‌برد)» (بروجردی، ۱۳۸۰هـ.ق)

در کتاب تحف‌العقول حضرت اقسام هزینه کردن در اموال را شرح فرمودند و از جمله موارد مستحب انفاق و صرف مال، صرف مال در راه خویشاوندان را برشمردند.

در کتاب تحف‌العقول آمده است که امام معصوم علیه‌السلام فرمود:

«اقسام هزینه کردن اموال در همه راه‌های حلال چه واجب و چه مستحب همه بیست و چهار گونه است. هفت گونه از آن هزینه کردن بر خویش است، پنج گونه بر کسانی که بر آن‌ها وابسته است، سه گونه از گونه‌های قرض که بر او لازم می‌شود، پنج گونه از گونه‌های صلها که باز بر او لازم می‌شود و چهار گونه از گونه‌های انجام کار نیک و معروف که باید در آن‌ها هم هزینه کند، گونه‌هایی که در آن‌ها هزینه کردن برای شخص، خودش لازم است عبارت است از خوراک، نوشیدنی، پوشاک، ازدواج، خدمتکار و مبالغی که در موارد موردنیاز می‌پردازد مانند اجرت تعمیر وسایل یا حمل یا نگهداری آن و سایر چیزهایی که به آن‌ها نیاز دارد مانند خانه و ابزاری که در احتیاجاتش از آن استفاده می‌کند. و گونه‌های پنج‌گانه‌ای که باید نفقه بپردازد به کسانی که به آن‌ها وابسته است، پس نفقه بر فرزند، پدر، مادر، همسر و برده‌اش است، این بر او لازم است در حال تنگدستی و توانگری. و گونه‌های سه‌گانه‌ای که از گونه‌های دین واجب است، زکات مشخصی است که در هر سال واجب می‌شود، حج واجب و جهاد در زمان آن است. و گونه‌های پنج‌گانه از گونه‌های بخشش‌های مستحب عبارت است از بخشش و نیکی به مافوق و نیکی به خویشان و بخشش و نیکی به مؤمنان و بخشیدن در راه‌های صدقه، نیکی و آزادسازی برده. و اما گونه‌های چهارگانه پس پرداخت بدهی، عاریه، قرض و مهمانداری که در سنت واجب است.» (بروجردی، ۱۳۸۰هـ.ق)

یکی از کارکردهای آشکار نهاد عشیره در مبحث «دیه عاقله» بروز و ظهور می‌یابد. در فقه شیعه برای قاتلینی که به‌اشتباه کسی را به قتل رسانده‌اند، نهاد عاقله تعبیه شده است تا در صورت فقر و ناتوانی قاتل در پرداخت دیه مقتول به او کمک کنند. (آرام و سید امامی، ۱۳۹۵)

○ لایه پنجم: نهاد همسایه

پنجمین لایه حمایتی در اسلام نهاد همسایه است. مجموعه روابطی که در اسلام در مورد برخورد با همسایه و حقوق همسایگان نسبت به یکدیگر تعیین شده است نهاد همسایه را



تشکیل می‌دهد. در اسلام همسایگان نسبت به یکدیگر حقوق و وظایف گوناگونی رادارند. در باب نقش همسایه معروف‌ترین حدیث آن است که رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم فرمودند هر کس سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد، مسلمان نیست. باین‌وجود روایات دیگری نیز وجود دارد که از جمله در ترجمه کتاب الزهد وارد شده است:

«همانا شخصی از انصار نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: ای رسول خدا! من خانه‌ای را در محله فلان قبیله خریده‌ام و نزدیک‌ترین همسایه من کسی است که نه امید خوبی دارم و نه از شرش در امانم، حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به علیِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، سلمان و ابودر- و دیگری که نامش فراموش کرده و احتمالاً مقداد بود- دستور داد که در مسجد با صدای بلند بگویند: ایمان ندارد کسی که همسایه‌اش از شر و آزار او در امان نباشد. پس سه مرتبه اعلام کردند، بعد از آن دستور داد که اعلام کنند: هر خانه‌ای از هر سمت تا چهل خانه، از همسایگان او می‌باشد» (کوفی اهواز، ۱۳۹۱)

و در حدیث دیگری در کتاب شریف کافی وارد شده است که حضرت صادق از پدرش علیهما‌السلام حدیث کند که فرمود:

من در کتاب علی علیه‌السلام خواندم که رسول خدا (ص) نامه‌ای میان مهاجر و انصار و دیگران از مردم مدینه که با آنان پیوند داشتند نوشت (و همه امضاء کردند) که: همسایه مانند خود انسان است که نه زیان به او رسد و نه گناهکار شود و (دیگر اینکه) احترام همسایه مانند احترام مادر است. و این مختصر حدیث است. (کلینی، بی‌تا)

و در حدیث شریفی از رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم حضرت در مورد انفاق چنین فرمودند:

«پنج خرما یا پنج قرص نان و یا پنج دینار و یا درهمی که انسان آن را مالک است و می‌خواهد آن را خرج کند برترین آن همان است که آن را بر پدر و مادرش نفقه کند و در مرحله دوم بر خودش و عیالش و سپس در مرحله سوم بر خویشاوندان فقیرش و آنگاه در مرحله چهارم بر همسایگان فقیرش و سپس در مرحله پنجم در راه خدا و این مورد پنجم از همه موارد پاداشش کمتر است و نیز فرموده رسول خدا صلی‌الله علیه و آله که: از کسی که عیال تو است آغاز کن به ترتیب نزدیک‌تر بودن در خویشاوندی.» (بروجردی، ۱۳۸۰ هـ ق)



○ لایه ششم: نهاد دوستی و برادری

ششمین لایه حمایتی در جامعه اسلامی نهاد دوستی و برادری است. تنها شرط برادری در قرآن کریم ایمان است و همین ایمان حق و حقوقی را برای افراد جامعه به همراه دارد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (سوره حجرات، آیه ۱۰)

یکی از مواردی که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از چنین نهادی برای رفع فقر و حمایت مالی برخی از افراد داشت؛ پیمان برادری میان مهاجرین و انصار بود. یکی از کارکردهای پیمان اخوت در آغاز، احساس مسئولیت بیشتر مسلمانان نسبت به یکدیگر خصوصاً در مسائل مالی بود. زمانی که مسلمانان دوبه‌دو باهم برادر شدند، هر یک از آن‌ها و به‌ویژه انصار، می‌کوشیدند تا برادران دینی خود را در مواقعی که نیاز مالی دارند، حمایت کنند؛ به‌طوری‌که عده‌ای از انصار، حتی حاضر شدند نیمی از اموال خود را به مهاجرین ببخشند (صالحی، ۱۴۱۱، ص ۵۳۴). حتی یکی از آن‌ها به هم‌پیمان خود اعلام کرد، حاضر است؛ یکی از زیباترین زنان خود را طلاق دهد و به عقد برادر مهاجرش درآورد (صالحی، ۱۴۱۱، ص ۵۳۰). تا وقوع جنگ احد درواقع عقیده هر یک از شرکت‌کنندگان در پیمان نسبت به برادر خود چنان بود که می‌توانستند از میراث برادر خود سهم ببرند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱، صص ۲۶۶، ۲۶۵). روایت‌شده که در زمان خلیفهٔ دوم که دستور به تنظیم دیوان‌ها کرد و دیوان‌ها بر مبنای نسبت تنظیم‌شده از بلال که در آن هنگام به جبهه‌های جنگ شام رفته بود، سؤال کرد که سهم خود را به چه کسی واگذار می‌کنی؟ بلال در پاسخ گفته بود «به "ابو رویحه" که هرگز از او جدا نخواهم شد، به سبب آن پیمان برادری که رسول خدا (ص) میان من و او برقرار فرمود. خلیفه هم سهمیهٔ او را به سهم ابو رویحه از بیت‌المال ضمیمه کرد. حمزه بن عبدالمطلب که با زید بن حارثه برادر شده بود، در جنگ احد به شهادت رسید، در وصیت‌نامهٔ خود، زید بن حارثه را وصی خود قرار داده بود (ابوزهره، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۵۹ و ۲۶۴). در رساله شریف حقوق از امام سجاد (علیه‌السلام) حقوق دوستان نسبت به یکدیگر این‌گونه تعریف گردیده است:

و اما حق دوست این است که تا آنجا که می‌توانی با او نیک برخورد و نیکو رفتار باشی و چون نتوانستی از انصاف خارج نشو و ارجمندش دار آن‌سان که تو را ارج می‌نهد و نگاه‌داریش آن‌گونه که نگاهت می‌دارد و در کاری پسند، بر تو پیشی‌نگیرد و چون پیش افتاد، جبران‌ش کن و در دوستی درخور او کم‌کاری نکن، پند دهی و نگهداری و مدد بر بندگی پروردگارش



و یاری دهی بر ترک نافرمانی خدایش را برخوردارت لازم بدان؛ آنگاه بر او رحمت باش و نه زحمت. و لا قوه الا بالله. (ابن شعبه حرانی، بی‌تا)

اکنون که معلوم گردید که مؤمنان با یکدیگر نسبت برادری دارند، اگر این نوع رابطه و اخوت بین مؤمنان را بپذیریم تأمل حول برخی از احادیث در مورد نحوه برخورد در مسائل مالی در اسلام که از روی حق دوستی و برادری ایمانی است می‌تواند روشنگر عمق این نگرش اسلامی بیانگر این نهاد اسلامی و جایگاه آن باشد. در حدیث دیگری امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

إِيتَاكُمْ وِإِعْسَارِ أَحَدٍ مِنْ إِخْوَانِكُمُ الْمُسْلِمِينَ، أَنْ تَعْسُرُوهُ بَشْيءٍ يَكُونُ لَكُمْ قَبْلَهُ، وَ هُوَ مَعْسُرٌ، فَإِنَّ أَبَانَ رَسُولَ اللَّهِ «ص» كَانَ يَقُولُ: لَيْسَ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَعْسُرَ مُسْلِمًا. وَ مِنْ أَنْظَرِ مَعْسُرًا أَظْلَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بظَلَمِهِ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ. بپرهیزید از اینکه یکی از برادران مسلمان خود را برای باز پس گرفتن مالی که در نزد او دارید، در فشار قرار دهید، باینکه او در حال تنگدستی است، زیرا پدر ما رسول خدا «ص» می‌فرمود: «مسلمان را نرسد که مسلمانی دیگر را به عسرت اندازد (و زیر فشار گذارد). هر کس معسری (تنگدستی) را مهلت دهد، خداوند متعال در روز قیامت - که سایه‌ای جز سایه او وجود ندارد - وی را در سایه خویش قرار خواهد داد» (حکیمی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۵۱).

مجموعه احادیث دیگری نیز در این باب وجود دارد:

الإمام علی «ع» فقراء المسلمين أشركوهم في معيشتكم. فقراى مسلمان را در معيشت شريك خود قرار دهید (حکیمی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۵۱).

النَّبِيُّ «ص»: الصَّدَقَةُ بَعَشْرٍ، وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ، وَ صِلَةُ الْإِخْوَانِ بَعَشْرِينَ، وَ صِلَةُ الرَّحْمِ بِأَرْبَعَةٍ وَ عَشْرِينَ. (پاداش) صدقه ده برابر است، و وام دادن هجده، و کمک به دوستان بیست، و کمک به ارحام بیست و چهار (حکیمی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۵۱).

○ لایه هفتم: نهادهای اجتماعی به مانند مسجد، وقف و سایر نهادها

بررسی سیره حکومتی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام حاکی از آن است که برخی از نهادهای اجتماعی نقش قابل توجهی در حوزه‌های مختلف زندگی مردم و از جمله رفع فقر داشته است. از جمله این نهادها می‌توان به نهاد مسجد و



وقف اشاره کرد. از زمان‌های گذشته، افراد ضعیف و کسانی که به‌نوعی مشکلات شخصی و اجتماعی داشتند، به مسجد مراجعه می‌کردند. در سیره حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌بینیم که مؤمنان برای رفع نیازشان، به حضرت روی می‌آوردند، و آن حضرت نیز با بذل مساعدت‌های لازم، نیاز آنان را تا حد امکان برطرف می‌کردند؛ به این ترتیب، مسجد مکانی بود که می‌توانست محل ارتباط مستقیم رهبر و مردم باشد (سعیدی، ۱۳۶۷، ص ۴۲) و ضمن اینکه مشکلات مربوط به مردم نیز برطرف شود. در زمان فعلی نیز یکی از کارکردهای قابل‌تصور برای مساجد ایفای نقش در همین جهت است. به عبارت دیگر مساجد به دلیل خاستگاه اجتماعی و مردمی آن بستر و زمینه بسیار مناسبی از جهت اجتماعی، فرهنگی، اطلاعاتی و تأمین مالی فراهم آورده است و می‌تواند نقش قابل‌توجهی در رفع فقر داشته باشد. امروز این نهادها منحصر در مسجد نیست و می‌تواند در قالب مؤسسات مردم‌نهاد، مؤسسات خیریه و سایر انواع مؤسسات قرار داشته باشد.

یکی دیگر از نهادهای اجتماعی تأثیرگذار در رفع فقر وقف است. یکی از کارکردهای مهم وقف، فقرزدایی از جامعه است. با گسترش فرهنگ وقف می‌توان میزان فقر و محرومیت را در جامعه کاهش داد؛ زیرا وقف یکی از راه‌های توزیع مجدد درآمد است و با توزیع مجدد درآمد، سرمایه‌های جامعه در اختیار همگان قرار می‌گیرد و با بهره‌مندی همگان از امکانات رفاهی و اقتصادی، زمینه‌های تکامل در ابعاد فرهنگی و اجتماعی فراهم می‌شود. بررسی موقوفات و خصوصاً وقف برای فقرا در ایران دلالت بر آن دارد که حجم عظیمی از موقوفات وجود دارد که مادام‌العمر صرف فقرا شده است. سیره امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام دلالت بر آن دارد که ایشان نخلستان‌ها و چاه‌های زیادی را برای فقرا وقف کرد. در کتاب فروع کافی جلد ۳ صفحه ۵۴۳ و کتاب وسائل الشیعه جلد ۱۳ صفحه ۳۰۳ و کتاب بحار جلد ۴۱ صفحه ۳۲ این روایت نقل شده است:

مردی در نزد علی (ع) کیسه‌ای از هسته خرما دید و پرسید یا علی این همه هسته خرما را به چه منظور جمع کرده‌اید فرمود همه این‌ها انشاءالله درخت خرما خواهد شد (فغرسه فلم یغادر منه نواه واحده فهوه من اوقافه) راوی گوید که امام آن هسته‌ها را کاشت و نخلستانی ایجاد کرد و سپس آن را وقف بر فقراء و فی سبیل الله فرمود و این یکی از موقوفات آن حضرت است



○ لایه هشتم: بسیج و فرهنگ بسیجی

هشتمین لایه از هندسه نهادی فقرزدایی در حکومت اسلامی، نهاد بسیج است. هرچند بسیج نهادی اجتماعی در حکومت اسلامی است و در واقع جزئی از لایه هفتم محسوب می‌شود، اما بنا به ماهیت خاص و جایگاه ویژه‌ای که بعد از انقلاب اسلامی ایران پیدا کرده، تحلیل آن به‌عنوان یک لایه مجزا، قابل دفاع می‌باشد. این تفکیک از جنبه دیگری نیز قابل دفاع است و آن اینکه اساساً سوای از نهادهای اجتماعی لایه هفتم که عمدتاً وجود خارجی و عینی می‌یابند، بسیج را می‌توان از جنبه یک فرهنگ نیز بدان پرداخت و از آنجا که فرهنگ، عادات و سنت‌ها نیز جزئی از نهادهای اجتماعی هستند؛ روحیه بسیجی را می‌توان مصداقی از لایه‌های فقرزدایی دانست. تأکید امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، بر نقش بسیج و روحیه بسیجی در گسترش مواسات و کمک به فقرزدایی مؤید این موضوع است. اهداف و ویژگی‌های خاص بسیج سبب شده است که بسیج در مسأله فقرزدایی هم به‌صورت یک‌نهاد اجتماعی مستقیم وارد این عرصه شود و هم به‌صورت غیرمستقیم، این موضوع در بخش‌های بعدی به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

○ لایه نهم: نهاد زکات و صدقه و دولت

یکی از مهم‌ترین نهادهایی که تأثیر قابل توجهی در رفع فقر دارد، نهاد زکات است. آیات قرآن کریم و روایات متعددی که از ائمه هدی علیهم‌السلام در این خصوص نقل شده است، دلالت بر آن دارد که زکات عمدتاً برای رفع فقر در جامعه وضع شده است و چنانچه توسط حکومت اسلامی جمع‌آوری شود و به‌منظور فقرزدایی مصرف گردد، برای رفع فقر کفایت خواهد کرد. در واقع زکات نوعی مالیات است که ضمن ایجاد توازن در سطوح مختلف جامعه، حداقل‌های معیشتی افراد نیازمند را پاسخ می‌دهد. این‌گونه است که اسلام نهادهای لازم برای رفع فقر در جامعه را دیده است و تضمین می‌کند که صحیح کار کردن این نهادها نقش مهمی در رفع فقر در جامعه دارد. در ادامه به برخی از روایات اشاره می‌شود.

روایت اول: وَ رَوَى مُبَارَكُ الْعَقْرَقُوفِيُّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّمَا وُضِعَتِ الزَّكَاةُ قُوْتاً لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيراً لِّلْأَمْوَالِهِمْ. و مبارک عقرقوفی از امام ابو الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده است که فرمود: همانا که زکات به‌عنوان روزی فقرا و افزایش اموال اغنیا برقرار شده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۲، ص ۳۰۸).



روایت دوم: وَ كَتَبَ الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ع إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ فِيمَا كَتَبَ إِلَيْهِ مِنْ جَوَابِ مَسْأَلِهِ أَنَّ عَلِيَّ الزَّكَاةَ مِنْ أَجْلِ قُوَّةِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ... و امام رضا علی بن موسی علیهما السلام به محمد بن سنان در جواب‌های مسائل او نوشت: علت تشریح زکات تأمین قوت فقرا و حفظ و صیانت اموال اغنیا است. زیرا خدای عز و جل تندرستان را به رسیدگی به حال دردمندان و مبتلایان مکلف ساخته است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۲، ص ۳۰۶).

روایت سوم: قَالَ الشَّيْخُ السَّعِيدُ الْفَقِيهَ [أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيَّ - مُصَنَّفُ هَذَا الْكِتَابِ] رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ أَسْكَنَهُ جَنَّتَهُ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَرَضَ الزَّكَاةَ كَمَا قَرَضَ الصَّلَاةَ فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا حَمَلَ الزَّكَاةَ فَأَعْطَاهَا غَلَانِيَةً لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ عَيْبٌ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ الَّذِي قَرَضَ لَهُمْ لَا يَكْفِيهِمْ لَزَادَهُمْ وَ إِنَّمَا يُؤْتَى الْفُقَرَاءَ فِيمَا أُوتُوا مِنْ مَنَعٍ مَنْ مَنَعَهُمْ حُقُوقَهُمْ لَا مِنَ الْقَرِيضَةِ. عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: خداوند عز و جل زکات را بمانند نماز فرض و مقرر فرموده است و از این رو اگر کسی زکات را حمل کند و آشکارا و برملا عطا نماید، باکی بر او نیست و این بدان جهت است که خدای عز و جل مقدار تأمین نیازمندی‌های فقرا را در اموال اغنیا مقدر و مقرر نموده است و اگر می‌دانست که آن مقدار مفروض و معین ایشان را کفایت نمی‌کند، هرآینه آن را برای ایشان می‌افزود و هرگونه تنگدستی و صعوبت معیشتی که متوجه فقرا شود، از جهت خودداری اغنیا از پرداخت حقوق ایشان است، نه از جهت مقدار زکات و نارسائی آن (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۲، ص ۳۰۸).

در مورد جمع‌آوری و مصرف زکات آراء متعددی مطرح شده است. اما آنچه مسلم است این است؛ اگر ولی جامعه اسلامی دستور به پرداخت زکات به دولت و حکومت اسلامی را دهد، بر همگان واجب است که زکات را پرداخت به ایشان پرداخت کنند. طبیعی است نقش دولت و حاکمیت برای رفع فقر در آخرین لایه نقشی برجسته و پررنگ می‌شود.

انطباق لایه‌های نهادی فقرزدایی در اسلام و نهاد بسیج

از بحث‌هایی که در بخش‌های قبلی مطرح گردید می‌توان به نکات زیر اشاره کرد. اول اینکه نهادها نقش بسیار مهمی در ایجاد فقر و یا از بین بردن فقر در جامعه دارند و نمی‌توان نسبت به نقش نهادها بی تفاوت بود. دوم اینکه نهادها زائیده فرهنگ و ایدئولوژی حاکم بر جامعه هستند و لذا از یک جامعه به جامعه دیگر نهادها نیز متفاوت هستند. سوم اینکه یکی



از نهادهایی که ثمره ایدئولوژی اسلام ناب بوده و از برکات انقلاب اسلامی ایران بوده و همواره نقش بسیار مهمی در مسائل مختلف جامعه ایران از جمله فقرزدایی داشته بسیج است. نگاهی نهادی به بسیج می‌تواند بیانگر آن باشد که بسیج می‌بایست همواره در مبارزه با فقر و خدمت‌گذاری به محرومین پیش‌قدم باشد. چهارم اینکه از آنجاکه بسیج خاستگاه اسلامی داشته و منطبق بر ایدئولوژی اسلام ناب است، چارچوب عملکردی آن در حوزه فقرزدایی نیز نمی‌تواند خارج از چارچوب نهادی اسلام باشد و لذا بررسی و انطباق آن با چارچوبی که پیش‌تر ساخته شد، ضروری است. با ذکر این نکات می‌توان به بررسی انطباق‌های موردنظر پرداخت. نگاهی به چارچوب نهادی ۹ لایه‌ای رفع فقر در اسلام نشان از آن دارد که یک نقش مستقیم برای نهادهایی به‌مانند بسیج دیده‌شده است.

نمودار ۴: لایه نهادی تأثیرگذار بر رفع فقر در اقتصاد اسلامی

لایه های نهادی فقرزدایی

-
- ۱- لایه اول: خودکفایی، از طریق کار و تلاش اقتصادی برای رفع فقر
 - ۲- لایه دوم: نهاد خانواده
 - ۳- لایه سوم: نهاد خویشاوندان
 - ۴- لایه چهارم: نهاد عشیره
 - ۵- لایه پنجم: نهاد همسایه
 - ۶- لایه ششم: نهاد دوستی و برادری
 - ۷- لایه هفتم: نهادهای اجتماعی
 - ۸- لایه هشتم: بسیج
 - ۹- لایه نهم: حاکمیت

مأخذ: دستاوردهای تحقیق

همان‌طوری که نمودار فوق نشان می‌دهد، هفتمین و هشتمین لایه از چارچوب نهادی اسلام در مبارزه با فقر مسجد، بسیج و نهادهای اجتماعی دیگر است. طبیعی است که از این منظر بسیج یک وظیفه مستقیم در مبارزه با فقر دارد و آن زمانی است که فرد بعد از تلاش و کار نتوانسته نیازهای خود را پاسخ دهد و حتی نهادهای خانواده، فامیل، عشیره، همسایه و



دوستان نیز نتوانسته‌اند نیازهای وی را برطرف کنند. در اینجا قبل از آنکه دولت و نهادهای دولتی از طریق زکات و مالیات بخواهند فقر او را برطرف نمایند، بسیج می‌تواند عامل این فقرزدایی باشد. یکی از نمونه‌های موفق این حرکت که بروز و ظهور عملی نیز داشت، رزمایش مواسات بعد از شیوع بیماری کرونا در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ بود که گستره وسیع آسیب‌ها نشان داد که عملاً حمایت از نیازمندان از عهده دولت نیز خارج است و نقشی که بسیج در این میان ایفا کرد، در واقع تجسم عینی یک حرکت اصیل اسلامی و بر خواسته از یک بینش اعتقادی و مذهبی بود. لذا استمرار این حرکت نه فقط در خصوص بحران‌هایی به مانده کرونا، بلکه در تمامی ایام سال یک امر واجب و ضروری است که می‌بایست بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد. به استناد بند سوم از شرح وظایف نیروی مقاومت بسیج سپاه مصوب مقام فرماندهی معظم کل قوا از اهداف جذب بسیجیان و تشکیل ارتش بیست‌میلیونی «ایجاد توانایی‌های لازم در آحاد مردم به منظور کمک به هنگام بروز بلا یا و حوادث غیرمترقبه» که این مدل از فقرزدایی می‌تواند در واقع یکی از مهم‌ترین مأموریت‌ها و اهداف شکل‌گیری بسیج نیز باشد.

جدای از نقش مستقیمی که برای بسیج در هندسه نهادی فقرزدایی در حکومت اسلامی دیده شده است، یک نقش غیرمستقیم نیز حسب مأموریت‌های بسیج قابل تعریف است. از آنجاکه مأموریت اصلی بسیج «جذب و آموزش عمومی آحاد مردم و سازمان‌دهی و تجهیز و به‌کارگیری آنان در رده‌های مقاومت به منظور تشکیل ارتش بیست‌میلیونی و مقاومت مردمی در دفاع از کشور و انقلاب و دستاوردهای آن» است، تحقق چارچوب نهادی به‌دست آمده در بخش قبلی نیز می‌تواند مأموریت غیرمستقیم بسیج در حوزه فقرزدایی باشد. همان‌طوری که مشاهده گردید لایه اول فقرزدایی در اسلام خودکفایی از طریق کار و تلاش اقتصادی برای رفع فقر است که نقش بسیج در این بخش می‌تواند بسیار مؤثر باشد. ایجاد اشتغال مستقیم، ارائه آموزش‌های لازم برای کارآفرینی و کسب درآمد، تأمین سرمایه مورد نیاز فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند از مصادیق نقش‌آفرینی بسیج باشد. به همین صورت فرهنگ‌سازی و آموزش به منظور تحقق لایه‌های نهادی دوم تا هفتم نیز می‌تواند مأموریت دوم بسیج در مبارزه با فقر باشد. اما آخرین راهبردی که می‌توان در خصوص لایه نهم یعنی نقش دولت اشاره کرد، موضوع همراهی، همکاری و مطالبه‌گری است. مطالبه‌گری می‌تواند از طریق رسانه‌ای بوده و یا بسیج به‌عنوان نقش واسط میان مردم و نهادهای دولتی عمل



کرده و مصادیق فقر تا محو آن را از طریق امکانات دولتی دنبال نماید، همکاری و همراهی نیز می‌تواند در قالب تفاهم‌نامه‌ها و فعالیت‌های متنوع باشد. نمونه‌ای بارز از این حرکت، اردوهای جهادی است که می‌تواند با همکاری دولت و بسیج نقش اثربخشی داشته باشد.

۵) بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱) بحث

نظر به اهمیت تحلیل ماهیت فقر، علل پیدایش آن و شیوه‌های فقرزدایی و تأثیر نهادهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در این امر، مقاله حاضر به دنبال آن بود که چارچوب نهادی فقرزدایی در اسلام را مشخص نماید و جایگاه بسیج را در این هندسه نهادی تبیین نماید. بررسی‌های این مقاله را می‌توان به صورت زیر جمع‌بندی کرد:

- ۱) تحلیل علل ایجاد فقر و روش‌های فقرزدایی را می‌توان از جمله مهم‌ترین مسائلی دانست که اقتصاددانان در طی تاریخ با آن مواجه بودند و در این بین همواره مکاتب مختلف اقتصادی در پی یافتن راه‌حلی برای برون‌رفت از این مسئله جهانی بوده‌اند. اما آنچه مسلم است این است که نهادها نقش بسیار مهمی در این پدیده دارند.
- ۲) بخشی از فقر، چه از نوع مطلق آن و چه از نوع نسبی آن زاییده یکسری علل ساختاری و نهادی است. این علل بیش از آنکه مربوط به شوک‌های اقتصادی باشد، زاییده یک بستر اجتماعی است که امروزه در ادبیات اقتصاد نهادگرایی و اقتصاد متعارف به آن زیرساخت اجتماعی می‌گویند. زیرساخت‌های اجتماعی نقش قابل توجهی در رفع فقر دارند و باید بدان پرداخته شود. لذا است که این مقاله بررسی مطالعه چارچوب نهادی اقتصاد نهادگرایی و اقتصاد اسلامی در رفع فقر را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.
- ۳) بخش مهمی از تحلیل ماهیت و دلیل پیدایش نهادها را می‌بایست در ایدئولوژی حاکم بر جامعه و بافت فرهنگی و سنتی آن جستجو کرد و همین موضوع سبب خواهد شد که در نظامات فکری مختلف، نهادهای متفاوتی را شاهد باشیم. اقتصاد نهادگرایی که عمده‌تأ در بستر لیبرال دموکراسی شکل گرفته است، یک ره‌آورد نهادی برای رفع فقر ارائه می‌کند و به همین صورت اقتصاد اسلامی نیز که در بستر یک اندیشه توحیدی شکل گرفته است، ره‌آورد نهادی خاص خود را برای فقرزدایی به همراه دارد.
- ۴) در اقتصاد نهادگرایی مبتنی بر لیبرال دموکراسی ۳ مسئله اصلی به عنوان مسائل نهادی مؤثر در نظر گرفته شده است که مبتنی بر یک رهبری منسجم و پایدار،



ایدئولوژی طرفدار طبقه ضعیف، سازمان قوی مردمی می‌تواند در رفع فقر مؤثر باشد. این سه اصل به شرح زیر است:

≠ رشد به نفع فقرا

≠ تأثیر نهادهای سیاسی و دموکراسی در کاهش فقر

≠ تأثیر جامعه مدنی در فقرزدایی

(۵) در این بین اقتصاد اسلامی نیز به‌عنوان شاخه‌ای از علوم انسانی اسلامی که دایه دار طراحی سیستم اقتصادی برمبنای مکتب الهی اسلام است نسبت به موضوع فقر ساکت نبوده است و راه‌حلهایی را برای این مسئله ارائه داده است. فرهنگ بر خواسته از اسلام و ایدئولوژی حاکم بر جامعه اسلامی تکافل عمومی را یک اصل اساسی در جامعه مسلمین و در میان امت اسلامی قلمداد می‌کند. نکته قابل توجه این است که سطح کمال و تمام تکافل عمومی در میان امت اسلامی صرفاً با شکل‌گیری نهادهای نه لایه‌ای صورت می‌پذیرد که در واقع بعد نهادی فقرزدایی در جامعه اسلامی محسوب می‌شود. این لایه‌ها که مستخرج از روایات معصومین علیهم‌السلام است و از سطح فردی جامعه شروع شده تا به دولت ختم می‌شود، در وهله اول مستلزم خودکفایی از طریق کار و فعالیت اقتصادی است و چنانچه فرد بعد از کار و تلاش اقتصادی و یا در صورت ناتوانی به هر دلیلی در تأمین حداقل‌های معیشتی درماند، هشت لایه نهادی برای حمایت از او وجود دارد.

(۶) بررسی آیات قرآن کریم و روایات ائمه هدی علیهم‌السلام دلالت بر آن دارد که راه‌حل اسلام برای رفع فقر کافی است و در صورت اجرای صحیح و کامل آن در یک چارچوب سیستمی و در یک جامعه اسلامی هیچ فقیری باقی نخواهد ماند.

۲-۵) نتیجه‌گیری

عملکرد یک نظام مبتنی و متأثر از نهادهایی است که آن مجموعه را شکل می‌دهند. در این بین ایدئولوژی آن نخ نامرئی است که این نهادها را در راستای یک هدف مشخص که برگرفته از جهان بینی آن مکتب است به یکدیگر پیوند می‌دهد. حال اگر ساختار یکی از این نهادها منطبق بر ایدئولوژی و جهان بینی کل مجموعه نباشد این امر منجر به ازهم‌گسیختگی نظام خواهد شد و هدف غایی نظام محقق نخواهد شد لذا در طراحی مکاتب فکری، تولید و یا تشخیص صحیح نهادها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این حیث که نهاد تولیدشده و یا امضا شد از جنبه بنیادین مطابق با ایدئولوژی مکتب باشد تا بتواند هدف مجموعه را

¹ Bank A. D., Poverty Reduction and The Role of Institutions In Developing Asia, 2002



تحقق بخشد و تکمیل‌کننده مجموعه باشد. در طراحی نظام اسلامی، یکی از نهادهایی که توسط معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) بنیان‌گردد نهاد بسیج بود. بسیج از این حیث که یک‌نهاد بر خواسته از ایدئولوژی اسلامی است در حدود و مبنای اسلام و اهداف حکومت اسلامی تعریف می‌شود و عملکرد آن نیز در هدف تحقق اهداف جامعه اسلامی بوده و هست. در این‌بین در طراحی هندسه نظام فقردا در جامعه اسلامی نیز باید به نقش این نهاد انقلابی پرداخته شود که در این مقاله سعی بر آن بود که نقش این نهاد در هندسه فقردایی در حکومت دینی تبیین شود. هندسه نهادی فقردایی در اسلام دارای ۹ لایه نهادی است که هفتمین و هشتمین لایه از آن مربوط به بسیج و نهادهای اجتماعی دیگر است. طبیعی است که از این منظر بسیج یک وظیفه مستقیم در مبارزه با فقر دارد و آن زمانی است که فرد بعد از تلاش و کار نتوانسته نیازهای خود را پاسخ دهد و حتی نهادهای خانواده، فامیل، عشیره، همسایه و دوستان نیز نتوانسته‌اند نیازهای وی را برطرف کنند. در اینجا قبل از آنکه دولت و نهادهای دولتی از طریق زکات و مالیات بخواهند فقر او را برطرف نمایند، بسیج می‌تواند عامل این فقردایی باشد. جدای از نقش مستقیمی که برای بسیج در هندسه نهادی فقردایی در حکومت اسلامی دیده شده است، یک نقش غیرمستقیم نیز حسب مأموریت‌های بسیج قابل‌تعریف است. از آنجاکه مأموریت اصلی بسیج «جذب و آموزش عمومی آحاد مردم و سازمان‌دهی و تجهیز و به‌کارگیری آنان در رده‌های مقاومت به‌منظور تشکیل ارتش بیست‌میلیونی و مقاومت مردمی در دفاع از کشور و انقلاب و دستاوردهای آن» است، تحقق چارچوب نهادی به‌دست‌آمده در بخش قبلی نیز می‌تواند مأموریت غیرمستقیم بسیج در حوزه فقردایی باشد. لایه اول فقردایی در اسلام خودکفایی از طریق کار و تلاش اقتصادی برای رفع فقر است که نقش بسیج در این بخش می‌تواند بسیار مؤثر باشد. ایجاد اشتغال مستقیم، ارائه آموزش‌های لازم برای کارآفرینی و کسب درآمد، تأمین سرمایه موردنیاز فعالیت‌های اقتصاد می‌تواند از مصادیق نقش‌آفرینی بسیج باشد. به همین صورت فرهنگ‌سازی و آموزش به‌منظور تحقق لایه‌های نهادی دوم تا هفتم نیز می‌تواند مأموریت دوم بسیج در مبارزه با فقر باشد. اما آخرین راهبردی که می‌توان در خصوص لایه هشتم یعنی نقش دولت اشاره کرد، موضوع مطالبه‌گری است. این مطالبه‌گری می‌تواند از طریق رسانه‌ای بوده و یا بسیج به‌عنوان نقش واسط میان مردم و نهادهای دولتی عمل کرده و مصادیق فقر تا محو آن را از طریق امکانات دولتی دنبال نماید



۳-۵) پیشنهادها

بررسی و انطباق مأموریت بسیج با چارچوب نهادی ارائه شده از منظر اسلامی دلالت بر آن دارد که:

- ۱) همان طوری که مشاهده گردید لایه اول فقرزدایی در اسلام خودکفایی از طریق کار و تلاش اقتصادی برای رفع فقر است که نقش بسیج در این بخش می تواند بسیار مؤثر باشد. ایجاد اشتغال مستقیم، ارائه آموزش های لازم برای کارآفرینی و کسب درآمد، تأمین سرمایه مورد نیاز فعالیت های اقتصاد می تواند از مصادیق نقش آفرینی بسیج باشد. از آنجاکه مهم ترین بعد از لایه های فقرزدایی در اسلام مربوط به همین لایه اول هست، مهم ترین راهبرد بسیج برای فقرزدایی نیز در همین چارچوب قابل تعریف خواهد بود.
- ۲) راهبرد دوم بسیج برای فقرزدایی، احیا و تحقق لایه های نهادی دوم تا ششم یعنی حمایت خانواده، عشیره، همسایه و دوستی است که بسیج می تواند در بستر فرهنگ سازی و آموزش و تبیین این مسئله به عنوان یک وظیفه دینی برای مردم، نقش آفرین باشد.
- ۳) راهبرد سوم مربوط به ورود مستقیم بسیج برای فقرزدایی است. بسیج یک وظیفه مستقیم در مبارزه با فقر دارد و آن زمانی است که فرد بعد از تلاش و کار نتوانسته نیازهای خود را پاسخ دهد و حتی نهادهای خانواده، فامیل، عشیره، همسایه و دوستان نیز نتوانسته اند نیازهای وی را برطرف کنند. در اینجا قبل از آنکه دولت و نهادهای دولتی از طریق زکات و مالیات بخواهند فقر او را برطرف نمایند، بسیج می تواند عامل این فقرزدایی باشد. رزمایش مواسات در مواجهه با مشکلات اقتصادی بعد از شیوع بیماری کرونا نمونه بسیار مناسبی از این عملکرد است. همچنین شیوه اجرایی و راهبرد عملیاتی مطلوب چنین نقشی می تواند موضوع تحقیقات آتی باشد.
- ۴) چنانچه هر دلیلی لایه های پیش از دولت موفق به فقرزدایی از جامعه نشوند، نوبت به نهاد حاکمیت می رسد که از طریق زکات، خمس و سایر مالیات های اسلامی فقر موجود را برطرف نمایند. آخرین راهبردی که می توان برای بسیج در خصوص لایه نهم یعنی نقش دولت اشاره کرد، موضوع راهبری، همکاری و مطالبه گری است.



۶) منابع

۶-۱) منابع فارسی

مقاله‌ها

- ۱) امامی، سیدمجتبی؛ باقری نصرآبادی، محسن؛ (۱۳۹۴)، طراحی چارچوب نهادی برای شناسایی و انجام کارآفرینانه مأموریت‌های بسیج سازندگی، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۶۹، از ۱۰۳ تا ۱۳۰.
- ۲) آرام، محمدرضا و سید امامی، کاووس، (۱۳۹۵)، سیاست‌های فقرزدایی با محوریت تکافل اجتماعی، دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی
- ۳) بیگی، جمال؛ حیدرنازاد، کیوان؛ (۱۳۹۴)، نقش نهاد بسیج در پیشگیری از بزه و حفظ امنیت اجتماعی و اخلاقی در سطح شهرستان بناب، پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی، شماره ۱۴، از ۱۰۷ تا ۱۲۱.
- ۴) پیرایی، خسرو و قناعتیان، آزاده، (۱۳۸۵)، اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در آمد در ایران: اندازه‌گیری شاخص رشد به نفع غیر، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۱۳-۱۴۱.
- ۵) تیموری، محمد جواد؛ نجفی، ابراهیم؛ (۱۳۹۳)، الگو و راهبردهای شناسایی و کشف استعدادها درخشان در بسیج، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۶۴، از ۱۱۹ تا ۱۴۸.
- ۶) جانی‌پور، محمد و شکرانی، رضا، (۱۳۹۲)، رهاورد استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۶، شماره ۲، ص ۲۷-۵۷.
- ۷) حاجی‌زاده ندف، صادق؛ مهدی زاده، غفت سادات؛ (۱۳۹۳)، برر سی دیدگاه بسیجیان در مورد نقش بسیج محلات در ارتقای سطح علمی - فرهنگی اعضای بسیج، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۶، از ۱۳۵ تا ۱۶۰.
- ۸) حبی، محمدباقر؛ نائینی، محمدعلی؛ حاتمی، حمیدرضا؛ شریفی، رضا؛ (۱۳۹۰)، بررسی نقش بسیج در فرهنگ‌سازی و پیشگیری از سوءمصرف مواد، روانشناسی نظامی، شماره ۶، از ۴۷ تا ۵۶.
- ۹) سعیدی، عباس، ۱۳۶۷، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، تحقیقات جغرافیایی، ص ۴۲.
- ۱۰) شاه‌آبادی، محمدمهدی؛ زلّقی، امین؛ (۱۳۹۵)، شنا سایی قابلیت‌های لازم برای رهبری در سازمان‌های ایمن‌محور؛ مورد مطالعه بسیج دانشجویی دانشگاه تهران، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۲۰، از ۴۱ تا ۸۰.
- ۱۱) طوسی، حسین‌علی؛ مه‌ری، عباس؛ (۱۳۹۰)، عوامل مؤثر بر جذب نخبگان کشور به بسیج، مدیریت اسلامی، شماره ۲، از ۱۰۵ تا ۱۳۰.



- ۱۲) عزیزی، رزاق؛ علی‌اکبری، حسن؛ ایزدی طامه، احمد؛ (۱۳۹۴)، عوامل سازمانی مؤثر در جذب جوانان به بسیج، مدیریت اسلامی، شماره ۹، از ۲۰۳ تا ۲۲۴
- ۱۳) غفاری، مجتبی، (۱۳۹۳)، راهکارهای کاهش فقر: رهیافتی در اقتصاد، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌وبودجه، ۲۱۵-۲۴۲.
- ۱۴) کاشیان، عبدالمحمد؛ (۱۳۹۸)، بررسی استراتژی بهره‌گیری از ساختارهای ارگانیک در پایگاه‌های مقاومت بسیج: آثار، دستاوردها و ارائه الگوی پیشنهادی، مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست و دوم، شماره ۸۲، از ۶۳ تا ۱۰۰.
- ۱۵) گودرزی، غلامرضا؛ عبدالملکی، هادی؛ (۱۳۹۳)، بنیان‌های نظری و علمی انقلاب اسلامی در تشکیل بسیج جهانی مستضعفین با تأکید بر بیداری اسلامی، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، سال چهارم، شماره ۱۴، از ۶۷ تا ۹۶.
- ۱۶) نطاق پور، مهدی؛ درویش احمدآبادی، علی؛ اسماعیلی، محمدمهدی؛ (۱۳۹۶)، بررسی نقش سپاه و بسیج در تأمین امنیت و توانمندسازی حاشیه کلان شهر مشهد، دفاعی، شماره ۹۹، از ۷۷ تا ۱۱۷.
- ۱۷) نوروزی، محمد؛ نوروزی، خلیل؛ عاشری، محمدرضا؛ (۱۳۹۲)، توانمندسازی بسیجیان: راهبردی برای تحقق اهداف اقتصادی کشور، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۵۹، از ۷۷ تا ۱۰۴.

کتاب‌ها

- ۱) ابن شعبه حرانی، (بی‌تا)، *تحف العقول* (ترجمه حسن‌زاده)، تهران: جامعه مدرسین.
- ۲) ابوزهره، (۱۳۷۳)، *محمد خاتم پیامبران*، ترجمه حسین صابری، نشر آستان قدس رضوی، ج ۲، ص ۲۵۹.
- ۳) اوغلو، عجم و رابینسون، دارون، (۱۳۹۳)، *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟* تهران: انتشارات روزنه.
- ۴) بروجردی، آیت‌الله، (۱۳۸۰ هـ.ق)، *منابع فقه شیعه* (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- ۵) جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، *جامعه در قرآن*، قم: نشر اسرا.
- ۶) حکیمی، محمدرضا، حکیمی، م و حکیمی، ع، (بی‌تا)، *الحیاء / ترجمه احمد آرام*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۷) دهخدا علی‌اکبر، (بی‌تا)، *لغت‌نامه فارسی*، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- ۸) سباعی، مصطفی، (۱۹۹۸)، *التکافل الإجتماعی فی الإسلام*، ریاض: دارالورق للنشر و التوزیع.



۲-۶- منابع لاتین

Articles

- 1) Commons. J, (1931), **Institutional economics**, The American economic review. 648-657.
- 2) Hodgson. G, (1998), **The Approach of Institutional Economics**, Journal of Economic Literature. 166-199.
- 3) Hodgson. G, (Vol, XL No, 1 March 2006), **What Are Institutions?** JOURNAL OF ECONOMIC ISSUES.
- 4) McCulloch. N₃ ؛ Robson. M. (2000). **Growth. Inequality and Poverty in Mountania**. IDS working paper. Sussex. Institute of Development studies. 796-197.
- 5) North. D. C. (1991). **Institutions**. The Journal of Economic Perspectives. 97-112.
- 6) Ravallion. M₃ ؛ Chen. S. (2003). **Measuring Pro-Poor Growth**. Economics Letters. 93-99.
- 7) Veblen. T. (1898). **Why is economics not an evolutionary science?** The quarterly journal of economics. 373-397.
- 8) Veblen. T. (1909). **The Limitations of Marginal Utility**. Journal of Political Economy. volume 17.
- 9) Williamson. O. (بی تا). **The New Institutional Economics: Taking Stock.Looking**. Journal of Economic literature. 595-613

Books

- ≠ North .D. C. (1990). **Institutions Institutional Change and Economic Performance**. Cambridge University Press
- ≠ Kohli .A. (1987). **The State and Poverty in India**. Cambridge: Cambridge University Press.
- ≠ Isham J, D, (1997), **Civil Liberties .Democracy and the Performance of Government Projects**. The World Bank Economic Review 11(2) . 219-42.
- ≠ Drèze J, a, (1989), **Hunger and Public Action**, New York: Oxford University Press.

Websites

- ≠ Bank. A, D, (2002), Ann, ADB.
- ≠ Bank. A, D, (2002), Poverty Reduction and The Role of Institutions In Developing Asia,



- ≠ Bank. T, W, (2013), World Bank Civil Society Engagement, Washington. DC 20433: The World Bank.
- ≠ Basu. K, (2001), On the goals of development, Frontiers of development economics: The future in perspective. 61-86,
- ≠ The world bank. (2016). World Development Indicators. The World Bank.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

